

حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير

# حقوق جزا عمومی و

## اختصاصی

مدرس : دکتر عباس زاده

منطبق با آموزش دوره پیش نیاز کارآموزی وکالت سال ۹۸

ارائه شده در کانال پیشنهادهای مرکز وکلای قوه قضائیه

[https://t.me/pishniyazmadani\\_tejarat\\_vabaghi](https://t.me/pishniyazmadani_tejarat_vabaghi)

نگارش : صفورا سادات حسینی

تایپ و تنظیم : صفورا سادات حسینی

## جلسه اول:

### حقوق جزا:

(۱) ماهوی (که شامل حقوق جزای عمومی و اختصاصی است)

(۲) شکلی (همانند آیین دادرسی کیفری)

در حقوق جزای عمومی جرم که اشاره به حقوق جزای عمومی ۱ دارد مجرم که اشاره به حقوق جزای عمومی ۲ دارد و مجازات که اشاره به حقوق جزای عمومی ۳ دارد. بررسی میکنیم

(۱) در حقوق جزای عمومی جرم بررسی می شود که به علل موجهه جرم اشاره دارد که این علل باعث می شود جرم از بین برود همانند دفاع مشروع.

(۲) در حقوق جزای عمومی ۲ مجرم بررسی می شود که اشاره به علل رافع مسیولیت کیفری دارد که باعث می شود مجرم مجازات نشود عوامل رافع مسیولیت کیفری مثل صغرسن، جنون، اکراه

(۳) در حقوق جزا عمومی ۳ مجازات بررسی می شود عواملی چون عفو، گذشت شاکی و... روی مجازات موثر است که علل سقوط مجازات نام دارد. و معاذیر قانونی یا قضایی که می توانند معاف کننده یا تخفیف دهنده باشند و روس مجازات تاثیر میگذارند.

حقوق جزای اختصاصی اشاره دارد به:

(۱) جزا اخ ۱: جرایم علیه اشخاص (تمامیت جسمانی و معنوی)

(۲) جزا اخ ۲: جرایم علیه اموال و مالکیت

(۳) جزا اخ ۳: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

### کلیات:

(۱) قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان

(۲) قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان

(۱) قلمرو اجرای قوانین در مکان

(الف) اصل صلاحیت سرزمینی

ب) اصل صلاحیت واقعی

ج) اصل صلاحیت مبتنی بر خدمت

ت) اصل صلاحیت شخصی

ث) اصل صلاحیت جهانی

### الف) صلاحیت سرزمینی

نکته) اگر جرم در ایران رخ داده باشد فقط صلاحیت سرزمینی ملاک است

مثال: فرد ترکیه ای در ایران دستخط رسمی رییس جمهور را جعل می کند کدام اصل و کشور صالح است؟  
کشور ایران صالح است طبق اصل صلاحیت سرزمینی. (اگر جرم در ایران رخ داده باشد سراغ بقیه اصول نمی رویم)

#### ۱) اصل صلاحیت سرزمینی ثابت ۲) اصل صلاحیت سرزمینی شناور

۱) اصل صلاحیت سرزمینی ثابت: استثنای این اصل مصونیت سیاسی است. مثلاً نماینده سیاسی کنسولی ترکیه در ایران مرتکب جرمی می شود فقط ایران می تواند به عنوان عنصر نامطلوب او را از کشور خارج کند حق رسیدگی به جرم وی را ندارد. و عکس این قضیه هم قابل رسیدگی می باشد مثلاً یک نماینده سیاسی ایرانی در ترکیه مرتکب جرمی شود به جرم او در ترکیه رسیدگی نمی شود به خاطر مصونیت وی.

نکته: اگر از یک نماینده سیاسی کشور دیگر در ایران شکایت شود بازپرس باید **قرار موقوفی تعقیب** صادر کند.

#### ۲) اصل صلاحیت سرزمینی شناور: این مورد اشاره به جرایم قابل رسیدگی در کشتی و هواپیماست. الف) کشتی

ب) هواپیماهای ثبت شده در ایران

- اگر هواپیما یا کشتی جنگی باشد. بدون استثناء در صلاحیت کشور صاحب پرچم یا هواپیمای ثبت شده است.
- اگر کشتی یا هواپیمای غیرجنگی باشد مثلاً تجاری یا مسافری باشد محاکم ایران صالح است.

اگر جرم در خارج از ایران رخ داده باشد سراغ ۴ اصل دیگر می رویم.

### ب) اصل صلاحیت واقعی

در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۴ مورد اشاره به اصل صلاحیت واقعی دارد.

۱) اقدام علیه نظام

۲) جعل

۳) استفاده از سند مجعول

۴) تهیه و ترویج سکه تقلبی

### ج) اصل صلاحیت مبتنی بر خدمت

دو شرط لازم است (۱) مرتکب مستخدم ایران باشد (۲) جرم ارتكابی در رابطه با شغل وی باشد

### ت) اصل صلاحیت شخصی

۱) صلاحیت شخصی فعال: مرتکب ایرانی باشد مجرمیت متقابل پذیرفته نشده است (کافیست جرم به موجب قانون ایران جرم باشد)

۲) صلاحیت شخصی منفعل: بزه دیده ایرانی باشد و مجرمیت متقابل پذیرفته شده است. (هم به موجب قانون ایران هم کشور محل ارتكاب جرم باشد)

مثال

۱) اگر نماینده سیاسی و کنسولی ایران در کشور ترکیه مرتکب جرم شود چه در ارتباط با شغلش باشد چه نباشد محاکم ایران صالح به رسیدگی هستند

۲) کارمندان اداری و فنی: یک کارمند اداری تبعه ایرانی در کشور ترکیه در رابطه با شغلش مرتکب جرم می شود طبق اصل صلاحیت مبتنی بر خدمت محاکم ایران صالح به رسیدگی هستند.

۳) یک کارمند اداری تبعه ایرانی در ترکیه در رابطه با شغلش نه (مثلا جرم سرقت انجام می دهد) بر اساس صلاحیت شخصی دادگاه ایران صالح به رسیدگی است.

نکته: در چه صورت صلاحیت مبتنی بر خدمت میشود؟ (۱) مستخدم ایران باشد (۲) در رابطه با شغلش باشد.

۴) مستخدم و کارمند ایرانی تبعه ایران نباشد در کشور ترکیه مرتکب جرمی در رابطه با شغلش شود؟ دادگاه ایران صالح به رسیدگی است بر اساس صلاحیت مبتنی بر خدمت چرا چون دو شرط را دارد (۱) مستخدم ایرانی بودن

(۲) جرم ارتكابی در ارتباط با شغلش

۵) و اگر مستخدم ایرانی تبعه خارجی در کشور ترکیه جرمی انجام دهد که ارتباطی با شغلش نداشته باشد دادگاههای ایران صالح به رسیدگی نیستند.

### ث) صلاحیت جهانی

در هر کشوری یافت شود در همان کشور به جرم او رسیدگی می شود.

سوال؟ قاعده منع محاکمه مجدد در این اصول کارایی دارد؟

منع مجازات و محاکمه مجدد مربوط به مجازات تعزیری است چون یک فرد را برای یک جرم نمی توان دوبار مجازات کرد اما این قاعده حدود قصاص دیات تعزیرات منصوص شرعی را شامل نمی شود.

نکته: در اصل صلاحیت سرزمینی و واقعی منع محاکمه مجدد پذیرفته نشده است یعنی مجدد مجازات می کنیم منتها میزان مجازات تعزیری اجرا شده در خارج را لحاظ می کنیم.

اما در صلاحیت شخصی و جهانی منع محاکمه مجدد پذیرفته شده است.

در بحث صلاحیت شخصی اگر در خارج محاکمه و مجازات شده باشد مجدد در ایران محاکمه و مجازات نخواهد شد اما اگر در خارج از کشور محاکمه شده باشد ولی مجازات نشده باشد در ایران محاکمه و مجازات خواهد شد چون ایران نمی تواند حکم دادگاه خارج را اجرا کند.

#### نکته در مورد یافت شدن:

در اصل صلاحیت سرزمینی و واقعی یافت شدن در ایران شرط نیست.

ولی در اصل صلاحیت جهانی و شخصی یافت شدن در ایران شرط است.

#### مبحث دوم:

(۱) **قاعده کلی: عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری** ( منظور قوانین کیفری ماهوی است ) به گذشته سرایت پیدا نمی کند، مگر این که به نفع متهم باشد.

الان دروغگویی جرم نیست فردی دروغ می گوید و یک ماه دیگر قانونی تصویب می شود که دروغگویی جرم است . آیا این فرد مجازات می شود؟ خیر چون قانون به گذشته سرایت نمی کند.

(۲) **عطف بماسبق شدن قوانین کیفری** ( منظور قوانین کیفری شکلی است ) فوراً به گذشته سرایت می کند .

#### قلمرو اجرایی قوانین جزایی در زمان:

(۱) **قانون جرم زدا**: قانونی که جرم را از بین می برد

(۲) **قانون مخفف**: جرمی ۱ تا ۵ سال حبس است و سال بعد همان جرم مجازاتش می شود ۱ تا ۳ سال حبس می شود.

(۳) **قانون مساعد**: قانونی که به نفع متهم است مثلاً قانونی که مدت آزادی مشروط را کاهش می دهد یا مثلاً قانونی علل رافع مسیولیت کیفری را افزایش می دهد.

(۴) **قانون تفسیری**: قانون جدید نیست همان قانون را تفسیر می کند و به گذشته سرایت می کند .

(۵) **قانون شکلی**: اشاره به ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی و به گذشته سرایت می کند . مثل ادله اثبات دعوا ، ادله مربوط به تشکیلات قضایی ، شیوه دادرسی ، مرور زمان.

نحوه اعمال قوانین خفیف ، جرم زدا و مساعد

(۱) قبل از صدور حکم قطعی : خود قاضی صادر کننده حکم قطعی یا محکوم علیه از قاضی درخواست می کند که قانون مخففه یا جرم زدا را اعمال کند.

(۲) پس از صدور حکم قطعی : الف ) اگر قانون مخففه یا مساعد باشد قاضی اجرای احکام مکلف است پرونده را بفرستد به پیش دادگاه صادر کننده رای که تخفیف را اعمال کند .

ب) اما اگر قانون جرم زدا باشد نیاز نیست پرونده را بفرستد پیش قاضی صادر کننده حکم خود قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجرا را صادر می کند. چون پس از صدور حکم قطعی وظیفه قاضی صادر کننده حکم به پایان رسیده است.

نکته : در قوانین شکلی اگر به ضرر متهم باشد عطف بماسبق نمی شود مثلاً ق ا د ک مهلت ت نظر خواهی را ۲۰ روز را می داند و قانون جدید مهلت تجدیدنظر خواهی را ۱۰ روز می داند و الان روز ۱۱ است چون به ضرر متهم یا محکوم علیه است و نمی تواند تجدیدنظر خواهی کند قاعده عطف بماسبق شدن اعمال نمی شود .

دو استثنای عطف بماسبق شدن قوانین کیفری :

## (۱) قوانین شرعی (۲) قوانین موقت

(۱) قوانین شرعی : قوانینی که از صدر اسلام بوده عطف بماسبق شدن جایگاهی ندارد. مثلاً قبل از انقلاب مرتکب قتل عمد شده و حکم قتل عمد قبل از انقلاب حبس ابد بوده و بعد از انقلاب حکم قتل عمد قصاص شده و فرد حال ماکمه می شود و می گوید مرا قصاص نکنید طبق قانون قبل حبس ابد کنید ولی می گوئیم

حدود قصاص دیات و تعزیرات منصوص شرعی استثناست و عطف بماسبق نمی شود و همان قصاص اجرا می شود.

(۲) قوانین موقت : مثلاً احتکار در یکسال جرم می شود فرد در این یکسال مرتکب احتکار می شود و بعد از یکسال او را محاکمه می کنند و او می گوید مرا نباید با قانون قدیم که مشدده است مجازات کنید ولی ما فرد را طبق قانون قدیم مجازات می کنیم

نتیجه گیری : قوانین شرعی و موقت حکم خاص خود را دارند و در قالب عطف بماسبق شدن قوانین قرار نمی گیرند.

## جزای عمومی

مبحث اول

جرم و عناصر (۱) قانونی (۲) مادی (۳) معنوی

مبحث دوم

### اسباب اباحه

تعریف جرم : هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد اشاره به اقدامات تامینی تربیتی نکرده است. ( ماده ۲ ق.م.ج.ا )  
ولی در ( ماده ۱۲ ق.م.ج.ا ) به اقدامات تامینی تربیتی اشاره کرده است.

گفتار اول

### عنصر قانونی

- (۱) **جرایم نظامی** : دارای ۲ شرط است. الف) مرتکب نظامی باشد، ب) در جرایم خاص نظامیان باشد
- (۲) **جرایم سیاسی** : طبق قانون جرم سیاسی دارای ۳ شرط است : الف) بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام باشد ب) با انگیزه اصلاح امور کشور باشد ج) علیه نهادهای سیاسی باشد
- (۳) **جرایم عمومی** : نه جرم سیاسی باشد نه نظامی می شود جرم عمومی.

### عنصر مادی

- (۱) **قسمت های مختلف رکن مادی** : (۱) رفتار مرتکب ، (۲) موضوع جرم ، (۳) شرایط و اوضاع و احوال ، (۴) رابطه سببیت ، (۵) نتیجه
- (۱) **رفتار مرتکب**

ماهیت رفتار مادی:

الف) فعل

ب) **ترک فعل** ( آنچه که قانونگذار نفی کرده است مثلا ترک انفاق ، عدم ثبت واقعه ازدواج )

ج) **ارتکاب فعل ناشی از ترک فعل** ( یعنی جرایمی که با فعل انجام می شود ولی گاهی هم با ترک فعل محقق می شود . )

### (۲) دوام رفتار مادی.

الف) **جرم آنی** ( مثل قتل ) ب) **جرم مستمر** ( مخفی کردن، حبس کردن، نگهداری کردن، این کلمات نشان دهنده جرم مستمر هستند مثل حمل سلاح، نگه داری مواد مخدر، پوشیدن لباس های مامور انتظامی و ... )

احداث دیوار و پی کنی و نهرکشی جرم مستمر نیستند و جرم آنی هستند .

### (۳) شمار رفتار مادی

الف) جرم ساده: (قتل، سرقت)

ب) جرم مرکب: (۱) مقید به نتیجه مثل کلاهبرداری (۲) مطلق مثل تبصره ماده ۵۱۰ ق مجازات هرکس جاسوسانی را شناسایی جذب و معرفی به دولت خصم نماید.

ج) جرم به عادت: (که بایک بار انجام محقق نمی شود بلکه با چندبار انجام محقق می شود م ۷۱۲ تعزیرات تکدی کلاشی ولگردی).

### ب) موضوع جرم

جرم علیه اشخاص عین قتل، جرم علیه اموال عین کلاهبرداری، جرم علیه آسایش عمومی مثل جاسوسی

### ج) شرایط و اوضاع و احوال

شرایط زمان و مکان مدنظر. مثلا در جرم اختلاس حتما کارمند باشد. زمان مثلا سرقت در شب. شرط مرد بودن در جرم لواط

### د) رابطه سببیت

رابطه بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله را گویند. اگر رابطه سببیت قطع شود جرم منتسب به آنها نمی باشد. مثلا شخص الف، ب را از بلندی پرتاب می کند و شخص ج به او تیر می زند پزشک قانونی قتل را ناشی از شلیک اسلحه می داند پس قتل منتسب به کسی است که تیر زده است پس رابطه سببیت کسی که شخص ب را پرت کرده است منتفی است.

قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ اجتناع طولی و عرضی اسباب و نیز اجتماع سبب و مباشر به شرح ذیل تعیین تکلیف می شود:

### ۱) اجتماع طولی اسباب:

#### اسباب متعدد:

الف) غیرمجاز: وقتی اسباب متعدد به صورت غیرمجاز باشد قسمت اول م ۵۳۵ ق مجازات سبب مقدم در تاثیر مسیول خواهد بود حتی اگر موخر در حدوث باشد. مثلا کسی چاهی حفر کرده و دیگری چاقو درون چاه انداخته و کسی چاه را ندیده و درون چاه افتاده کسی که چاه را کنده یا کسی که چاقو انداخته مقصر است در اینجا سبب مقدم در تاثیر مسیولیت دارد یعنی کسی که چاهی کنده است.

مثال ۲: کسی چاهی کنده و دیگری سنگی دم چاه گذاشته سبب مقدم در تاثیر مسیولیت دارد در واقعه کسی که سنگ گذاشته است مقصر است.

ب) عامد: هرگاه ذمه اسباب طولی عامد باشد طبق قسمت دوم م ۵۳۵ ق مجازات شرکت در جرم محقق می شود. دو نفر با یکی مشکل دارند و قصد قتل وی را دارند یکی چاه می کند و دیگری سنگی می گذارد و فرد به سنگ می خورد و درون چاه می افتد و به قتل می رسد چه کسی مسیول است؟ هر دو مسیول هستند چون عامد بودن و شرکت در جرم محقق شده و هر دو قصاص می شوند.



ج) عدوانی : در صورت عامد بودن سبب موخر در حدوث مسیولیت دارد طبق قسمت دوم ماده نسبت داده می شود

د) اسباب مجاز و غیرمجاز : اجتماع اسباب مجاز و غیرمجاز م ۵۳۶ ق مجازات عامل غیرمجاز مسئول است . شهرداری به صورت مجاز چاه کنده و دیگری سنگی گذاشته کسی که سنگ گذاشته و غیر مجاز است مسیول است.

م ۵۳۶ قانون مجازات اگر فردی به طور غیرمجاز چاهی حفر کند ولی عمد نداشته باشد و فردی چاقویی درون چاه گذاشته و عمد داشته است کسی که چاقو گذاشته مسیول است چون عمد داشته است.

بین سبب مجاز و غیرمجاز کسی که عمل او غیرمجاز است مسیول است

بین سبب عمد و غیرعمد کسی که عمل او عمد است مسیول است.

بین سبب عمد و غیرمجاز کسی که عمل او عمد است مسیول است.

## ۲) اجتماع عرضی اسباب

دو نفر قصد قتل دیگری را دارد یکی غذایش را مسموم کند و دیگری آبش را مسموم کند هر دو طرف به طور مساوی ضامن هستند حتی اگر تاثیر غذای مسموم ۸۰٪ و تاثیر آب مسموم در قتل ۲۰٪ باشد.

## ۳) اجتماع سبب و مباشر

الف) اگر جنایت مستند به یکی از مباشر یا سبب باشد عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است اعم از سبب یا مباشر.

چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در اینصورت هریک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند.

مثلا کسی غذای مسموم به دیگری می دهد و دیگری با چاقو به شکم وی می زند پزشک قانونی می گوید هر دو مقصرند که هر دو ضامن هستند ولی اگر بگویند جنایت مستند به کسی است که چاقو زده است کسی که چاقو زده مسئول است.

ب) در صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد فقط سبب ضامن است مانند جایی که مباشر جاهل ، مجنون ، صغیر غ ممیز ، بی اختیار باشد.

## ۵) قسمت پنجم عنصر مادی نتیجه

۱) جرم مطلق : به صرف رفتار محقق می شود مثل شهادت کذب ، استفاده از سند مجعول ، توهین ، رشوه

۲) جرم مقید : کلاهبرداری ( صرف اغفال جرم نیست باید مال هم ببرد ) ، خیانت در امانت ( نیاز به ضرر دارد ) ، قتل ( نیاز به نتیجه سلب حیات است )

## بند دوم مراحل مختلف رفتار مجرمانه

(۱) **اندیشه ارتکاب جرم** : به صرف اندیشه ارتکاب جرم ، جرم محقق نمی شود من در ذهنم هست سرقتی انجام دهم اما دو استثنا وجود دارد (۱) تبانی (۲) تهدید به قتل ( که صرف اندیشه هم جرم است.

(۲) **عملیات و اقدامات مقدماتی** : جرم نمی باشد مگر این که خودش عنوان مجرمانه مجزا داشته باشد مثلا تهیه سلاح برای انجام قتل جرم نیست ولی خرید و فروش سلاح غیرمجاز جرم است .

م ۶۶۴ ق مجازات تهیه کلید: عملیات مقدماتی ساخت کلید جرم است

تبانی : الف) م ۶۱۱ اعراض نفوس و اموال مردم به صرف تبانی محقق نمی شود بلکه باید مقدمات اجرایی فراهم شود.

ب) م ۶۱۰ اشاره به امنیت دارد که به صرف تبانی محقق می شود و عملیات مقدماتی تبانی جرم است.

(۳) **شروع به جرم و موارد در حکم شروع به جرم** : (۱) شروع به اجرای جرم (۲) عدم انصراف ارادی (۳) مجازات شروع به جرم

(۱) **شروع به اجرا شده باشد** :

الف) **قصد** - مثلا کسی به قصد سرقت وارد منزل شخصی شود

ب) **فعل** ( رفتار ) - رفتار مرتکب تا آنجا پیش می رود که نشان دهنده قصد ارتکاب جرم است.

(۲) **عدم انصراف ارادی** : اگر مرتکب برود سرقت کند و بعد ببیند صاحبخانه فقیر است و منصرف شود چون انصراف ارادی است جرم شروع به سرقت نیست ولی اگر انصراف غیرارادی باشد صدای آژیر پلیس بشنود شروع به سرقت محقق می شود.

مجازات شروع به جرم در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی

نوع جرم	مجازات
سلب حیات	حبس درجه ۴
حبس ابد	حبس درجه ۴
حبس تعزیری درجه ۱ تا ۳	حبس درجه ۴
قطع عضو	حبس درجه ۵
حبس تعزیری درجه ۴	حبس درجه ۵
شلاق حدی	حبس یا شلاق یا جزا نقدی درجه ۶
حبس درجه ۵	حبس یا شلاق یا جزا نقدی درجه ۶

نکته : حبس تعزیری درجه ۸ تا ۶ و شلاق تعزیری و جزای نقدی مجازات شروع به جرم نخواهند داشت .

### جرم محال و عقیم

**جرم محال :** فرد می خواهد شلیک کند ولی گلوله در اسلحه ندارد یا فرد می خواهد از اماکن ممنوعه عکس بگیرد ولی فیلم در دوربین نیست عملیات انجام می شود ولی به نتیجه نمی رسد.

**جرم عقیم :** گلوله در اسلحه هست ولی به واسطه نقصی که در اسلحه هست شلیک رخ نمی دهد. می خواهد فردی را به قتل برساند ولی با جابجایی فرد تیر به دیوار می خورد.

### تفاوت شروع به جرم با جرم عقیم و محال :

در شروع به جرم مرتکب شروع به عملیات جرمی می کند ولی جرم را تا انتها طی نمی کند می خواهد شلیک کند توسط مأمور دستگیر می شود. ولی در جرم عقیم و محال مرتکب رفتار را تا انتها طس می کند ولی به نتیجه نمی رسد.

- تبصره ماده ۱۲۲ منظور جرم محال است و جرم محال را در حکم شروع به جرم دانسته است .
- دکتر اردبیلی می گوید جرم عقیم جرم نیست ولی دکتر شمس ناطری می گوید جرم عقیم هم مانند جرم محال در حکم شروع به جرم است و قابل مجازات است ( نظر اختلافی است ) در آزمون های حقوقی نظر دکتر اردبیلی ملاک است.
- تبصره ماده ۱۲۱ جرم محال به جهات مادی اشاره دارد نه قانونی
- ارتکاب کامل عمل مجرمانه را جرم تام گویند ( یک نفر را نمی توان به جرم شروع به جرم هم جرم تام مجازات کرد فقط یک جرم )

### عنصر معنوی

#### (۱) عنصر معنوی جرایم عمدی و (۲) عنصر معنوی جرایم غیر عمدی

#### (۱) عنصر معنوی جرایم عمدی

- (۱) **علم و آگاهی :** الف) علم به حکم مثلا شرب خمر حرام است . ب) علم به موضوع مثلا این لیوان حاوی شراب است .
- اگر فردی جاهل باشد الف) جهل حکمی (رافع مسئولیت کیفری نیست) جهل موضوعی ( رافع مسئولیت کیفری هست. )
- الف) جهل حکمی

- (۱) **جهل به اصل حکم**، مثلا من اصلا نمی دانم سرقت جرم است رافع مسئولیت کیفری نیست مگر تحصیل علم عادتاً ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب می شود. (که رافع مسئولیت کیفری است).

- (۲) **جهل به میزان و نوع مجازات** من می دانم سرقت جرم است ولی نمی دانم مجازات آن چیست رافع مسئولیت کیفری نیست و مجازات اجرا می شود.  
**(۲) اراده:**

اراده زیربنای تحقق جرم است یک فردی به جهت زلزله به روی شخص ثالث پرت می شود چون پرتش ارادی نیست (غیرارادی است) نه ضامن دیه است نه قصاص می شود. درواقع کسی که اراده ندارد ضامن نیست مگر در موارد استثنایی ماده ۲۹۲ در قتل خطای محض عواملی چون خواب بیهوشی . صغیرغ ممیز و مجنون قصاص نمی شوند ولی ضامن دیه هستند که توسط عاقله پرداخت می شود.

### **(۳) قصد نتیجه**

برای تحقق برخی جرایم همچون جرایم مطلق قصد نتیجه نداریم مثل توهین ولی جرایم مقید نیاز به نتیجه دارند.

### **- م ۱۴۴ قصد نتیجه یا علم به وقوع آن**

مثلا شخصی فردی را از بلندی پرت می کند شخص قصد قتل ندارد ولی علم به وقوع جرم دارد  
مثال دوم : کسی در مهمانی بشقاب صاحبخانه را پرت می کند و بشقاب می شکند هرچند قصد شکستن بشقاب را نداشته ولی علم به وقوع آن داشته پس جرم تخریب محقق شده است.

### **(۲) عنصر معنوی جرایم غیر عمدی**

#### **تقصیر**

الف ( **بی احتیاطی** (فعل) : آن کاری را که نباید انجام دهد را انجام می دهد مثل موتور سواری در پیاده رو  
ب) **بی مبالاتی** ( ترک فعل) : آن کاری که باید انجام دهد انجام نمی دهد مثلا شب باید چراغ ماشین اش را روشن کند روشن نمی کند.

**جلسه دوم****اسباب اباحه (علل موجهه جرم)**

علل موجهه ی جرم عللی هستند که روی جرم اثر می گذارند و باعث می شود جرم محقق نشود.

**تفاوت علل موجهه جرم با عوامل رافع مسئولیت کیفری چیست؟** علل موجهه جرم علل عینی است همانطور که جرمی وجود ندارد مجرم هم وجود ندارد (نه مجرم نه شریک نه معاون نه مباشر). اما عوامل رافع مسئولیت کیفری شخصی است اگر شخصی به عوامل رافع مسئولیت کیفری اشاره کند عین جنون، صغرسن و... فقط جرم برای او قابل استناد نیست. و م کیفری ندارد و مجازات نمی شود.

**گفتار اول: اضطرار (ضرورت)**

گذر گاهی است که فرد بین ارتکاب جرم و اطاعت از قانون و تحکل ضررقرار می گیرد.

مثلا، پدری فرزند خود را به خاطر بیماری می خواهد عمل کند و بیمارستان هزینه عمل را ۵۰ میلیون تعیین می کند و پدر این میزان پول را ندارد در این جا پدر بین ۲ عمل قرار می گیرد یا مرتکب جرم شود مثلا سرقت تا هزینه عمل را بدهد یا از قانون اطاعت کند و سرقت نکند و ضرر را متحمل شود (فوت فرزند) و اگر پدر مرتکب سرقت شود چون در حال اضطرار بوده جرم سرقت محقق نمی شود (البته با شرایطی که بعدا می خوانیم).

**الف) شرایط تحقق اضطرار:**

- ۱) بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع
- ۲) ضرورت ارتکاب جرم برای دفع خطر
- ۳) عدم مداخله عمدی مرتکب در ایجاد خطر
- ۴) تناسب جرم با خطر موجود
- ۵) نداشتن وظیفه مقابله با خطر

**ب) آثار اضطرار****الف) ۱) بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع:**

خطر یا بیرونی هست یا درونی. بیرونی مثل طوفان آتش سوزی، سیل. خطر درونی مثل بیماری

خطر فعلی : شخصی منزلش آتش گرفته و فرزندش درون آتش هست از طریق منزل همسایه بدون اجازه وارد می شود برای نجات فرزندش ( جرم ورود به عنف ) و درب منزل همسایه را می شکند ( جرم تخریب ) جرم ورود به عنف و تخریب محقق نمی شود چون خطر شدید فعلی است.

نکته : در دفاع مشروع لازم نیست که خطر شدید باشد

### (۱) ضرورت ارتکاب جرم برای دفع خطر

در مثال قبل که توضیح دادم پدری که می خواهد فرزندش را عمل کند می تواند از بیمه تکمیلی استفاده کند و مرتکب سرقت نشود.

### (۲) عدم مداخله عمدی مرتکب در ایجاد خطر

این بند وجه مشترک بین اباحه و دفاع مشروع است.

**مثالی که نمی توان به ضرورت استناد کرد:** فردی می آید با چاقو به شکم کسی می زند ماشینی کنار خیابان پارک است ماشین را می برد برای بردن وی به بیمارستان شیشه ماشین را می شکند آیا جرم تخریب محقق است آیا می تواند از حالت ضرورت استفاده کند ؟ خیر نمی تواند به ضرورت استناد کند چون خطر را خود عمدا ایجاد کرده ( زدن چاقو به دیگری )

**مثالی که می توان به ضرورت استناد کرد :** فردی با ماشین خودش با دیگری تصادف می کند و ماشین خودش از کار افتاده و می خواهد فرد را به بیمارستان برساند و ماشینی کنار خیابان پارک است ماشین را تخریب می کند و فرد را به بیمارستان می رساند. پس در اینجا می تواند به ضرورت استناد کند چون خطر را عمدا ایجاد نکرده است خطر به خاطر تصادف رانندگی بوده است.

### (۳) تناسب جرم با خطر موجود

مثلا پدر برای ۵۰ میلیون هزینه بیمارستان فرزندش ، ۱۰ میلیارد سرقت کند این جرم و خطر موجود تناسب ندارد.

### (۴) نداشتن وظیفه مقابله با خطر

مامورن آتش نشانی جایی که آتش گرفته وظیفه اطفاء حریق (خاموش کردن آتش ) را دارند نمی تواند به اضطرار استناد کند و بگوید من مسئولیتی ندارم و مثلا به خاطر حفظ جانم آتش را خاموش نکردم. قابل قبول نیست چون وظیفه وی خاموش کردن آتش است.

**نکته :** در اجبار فرد اختیار و اراده ای ندارد در اضطرار فرد (مرتکب) اختیار دارد مثلا پدر اختیار دارد که مرتکب سرقت نشود و فرزندش را عمل نکند یا مرتکب سرقت شود.

## آثار اضطرار

مرتکب مجازا نمی شود فاقد مسیولیت کیفری است چون عمل ارتكابی جرم نیست اما ضامن خسارات و ضررو زیان وارده است مثلا پدری که به خاطر عمل فرزندش مرتکب سرقت شده است مکلف به جبران خسارت است.

**نکته:** برخلاف دفاع مشروع که نه مجازات می شود و نه ضامن خسارات هست. اما در اضطرار (ضرورت) مجازات نمی شود اما ضامن خسارت است.

### گفتار دوم

#### گفتار دوم:

#### دفاع مشروع

#### الف) شرایط تحقق دفاع مشروع

شرایط مربوط به تجاوز و خطر

#### ۱) تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع باشد:

مثلا، فردی چاقو دستش است و می خواهد حمله کند این خطر فعلی است اما قریب الوقوع در فاصله ۵ متری است و می خواهد به او حمله کند.

اگر فرد مدافع بتواند به مامورین نیرو انتظامی تماس بگیرد یا مراجعه کند و از آنها کمک بخواهد اگر چنین زمانی وجود داشته باشد خطر فعلی یا قریب الوقوع نیست اما اگر چنین فرصتی ندارد خطر فعلی و قریب الوقوع است. (توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملا ممکن نباشد عمل فعلی و قریب الوقوع است.)

#### ۲) تجاوز غیرقانونی باشد

پس دفاع مشروع در برابر تجاوز قانونی دفاع نیست مثلا ضابطین دادگستری در جرم مشهود می خواهند فردی را دستگیر کنند پس این تجاوز قانونی است م ۱۵۷ ق مجازات. مقاومت در برابر مامورین انتظامی که مشغول انجام وظیفه هستند دفاع محسوب نمی شود.

مثال دوم: فردی قتلی انجام داده و می خواهند وی را قصاص کنند این تجاوز قانونی است و مقاومت در برابر آن دفاع محسوب نمی شود.

موضوع تجاوز. ۱) تجاوز به نفس ۲) تجاوز به عرض ۳) تجاوز به ناموس ۴) تجاوز به مال ۵) تجاوز به آزادی

تن

### ۳) خطر یا تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

خودش عمدا خطر را ایجاد کرده و طرف دیگر می آید از خود دفاع می کند. مثلا شخص الف به شخص ب حمله ور شده است ب از خود دفاع می کند و بر الف غالب می شود و الف مجدد می آید از خود دفاع می کند الف نمی تواند به دفاع مشروع استناد کند چون خودش عمدا خطر را ایجاد کرده پس نمی تواند به دفاع مشروع یا اضطرار استناد کند ( این شرط مشترک در دفاع مشروع و اضطرار است)

**نکته:** در ماده ۱۵۶ در دفاع مشروع به تجاوز شدید اشاره نکرده است برخلاف ضرورت که خطر باید شدید باشد.

### ب) شروط مربوط به دفاع

۱) **دفاع ضرورت داشته باشد:** مثلا شخصی به دیگری می گوید ۳ ساعت دیگر تو را به قتل می رسانم او فرصت دارد و می تواند به قوای دولتی متوسل شود پس دفاع جایز نیست

۲) **دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد**

۳) **دفاع برای تجاوز و خطر ناشی از فعل غیر باشد.**

م ۱۵۲ از شرایط اضطرار این است خطر را عمدا ایجاد نکرده باشد و متناسب باشد برخلاف این ماده در م ۱۵۶ که مربوط به دفاع مشروع است بین خطر و دفاع به تناسب اشاره نکرده است .

تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون جزا به بحث تناسب اشاره کرده است.

در تبصره ۲ م ۱۵۶ هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.

مدافع اصل دفاع را ثابت می کند اما اگر مهاجم بگوید مدافع تناسب را رعایت نکرده پس اثبات عدم تناسب با مهاجم است اگر ثابت نکرد که هیچ اگر ثابت کرد به سراغ تبصره ۲ ماده ۳۰۳ می رویم اگر اصل دفاع محرز بوده ولی از مراتب تجاوز شده هرچند قصاص نمی شود ولی به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می شود.

### ۴) آثار دفاع مشروع

مرتکب مجازات نمی شود و ضامن خسارات و دیه نمی باشد تبصره ۳ ماده ۱۵۶ در دفاع مشروع دیه ساقط می شود جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود.

گفتار سوم

۳) قانون اهم

۲) اجازه قانون

۱) حکم قانون



۱) **حکم قانون** : تکلیف است . متوجه **کارمندان دولت** است. مثلا قانونگذار ماماها اطبا داروفروشها را مکلف به حفظ اسراریبیمار کرده یا قانون جلوگیری از بیماری های واگیردار را مکلف کرده که بیماری های واگیر دار را گزارش دهند .

۲) **اجازه قانون** : **اختیار** است. اجازه قانون شامل **همه افراد** می شود از جمله بندت ماده ۱۵۸ ق مجازات اجازه هست و تکلیف نمی باشد والدین یا سرپرست صغار به خاطر تادیب کردن مجازات نمی شوند یا ماده ۴۵ قانون ادک در جرایم مشهود همه شهروندان می توانند برای حفظ صحنه جرم و فرار مرتکب اقدامات لازم را انجام دهند.

۳) **قانون اهم** : راننده آمبولانس فرد مصدوم را سوار کرده و می خواهد به بیمارستان ببرد با دو قانون مواجهیم (۱) مریض را به بیمارستان برساند (۲) چراغ قرمز را رد نکند

کدام قانون مهم تر است ؟ قطعاً قانونی که به حفظ جان بیمار کمک می کند ( قانون اهم )

## کفتار چهارم

### امر قانونی آمر قانونی

#### الف ) شرایط امر آمر قانونی

۱) وجود سلسله مراتب اداری میان **امر و مامور**: مامور مکلف به تبعیت از امر آمر باشد مثلاً ضابطین دادگستری مکلف به تبعیت از مقام قضایی است نه مدیر دفتر.

۲) **امر و مامور قانوناً ذی صلاح باشند** : مثلاً مدیر دفتر نمی تواند به مامور دستور دهد که برود تفتیش کند مقام قضایی باید دستور دهد هم **امر هم مامور هر دو ذی صلاح باشند**.

۳) **امر خلاف شرع نباشد**: مثلاً **امر** به مامور بگوید مرتکب زنا یا شرب خمر شو این امر خلاف شرع است.

۴) **امر قانونی باشد**: دستور صادره هم از لحاظ شکلی هم از نظر ماهوی باسد باید قانونی باشد مثلاً دستور جلب یا دستور تفتیش باید روی اوراق خاص خود باشد.

#### ب) مسئولیت ارتکاب جرم در اجرای امر آمر

م ۱۵۹ باید میان امر آشکارا غیرقانونی و امر به ظاهر قانونی تمایز قائل گردید .

**امر آشکارا غیرقانونی**: طبق قسمت اول ماده ۱۵۹ اگر آمر به مامور دستور ارتکاب جرمی را بدهد اگر امر آشکارا غیر قانونی باشد آمر و مامور هر دو محکوم می شوند. مثلاً اگر آمری به مامور دستور دهد کسی که مرتکب سرقت شده را به قتل برسان ( آمر و مامور هر دو محکوم می شوند مگر مامور ثابت کند که مکره بوده )

**امر آشکارا قانونی** : مطابق قسمت دوم ماده ۱۵۹ مامور مجازات نمی شود.

## گفتار پنجم رضایت مجنی علیه

رضایت مجنی علیه در دو حالت ممکن است بر ماهیت جرم تاثیر ببخشد .

**الف ) تاثیر رضایت مجنی علیه در عدم تحقق جرم:** در جرایمی که عدم رضایت مجنی علیه شرط است اگر مجنی علیه رضایت داشته باشد جرم محقق نمی شود. مثلا اگر فرد رضایت داشته باشد که کسی مال او را ببرد جرم سرقت محقق نشده است.

**ب) رضایت مجنی علیه شرط اباحه عمل:** رضایت مجنی علیه باعث مباح شدن عمل می شود.

**۱) عمل جراحی یا طبی ( بند ج م ۱۵۸ ) ۲) شرایط جرم نبودن ( شرط عدم ضمان دیه م ۴۸۵ )**

۱) باتوجه به بند ج م ۱۵۸ اعمال جراحان و پزشکان با رعایت شرایط ذیل جرم نیست و مجازات ندارد.

**شرط اول ) عمل جراحی یا طبی مشروع باشد.**

**شرط دوم) رضایت مجنی علیه**

**شرط سوم ) رعایت مقررات پزشکی و موازین فنی و علمی.**

**۲) شرط عدم ضمان**

مطابق م ۴۹۵ قانون مجازات عدم ضمان دیه مشروط به آن است که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود البته مطابق با تبصره این ماده در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد.

آنچه که مهم است عدم تقصیر پزشک است هرچند برائت اخذ نکرده باشد.

**- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن**

شرایط جرم نبودن عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن به شرح ذیل است

**شرط اول ) عدم مخالفت مقررات ورزشی با موازین شرعی**

**شرط دوم ) عدم نقص مقررات ورزشی ( به عبارت دیگر سبب حوادث ، نقص مقررات مربوط به آن ورزش نباشد)**

**شرط سوم ) این حوادث باید در اثنای فعالیت های مربوط اتفاق بیفتد .**

مثلا بین دو تیم فوتبال یا بعد از فوتبال از علل مواجهه جرم نیست باید در اثنای بازی فوتبال باشد.

مبحث اول : مسئولیت کیفری بزهکار

مبحث دوم : مداخله کنندگان در جرم

مبحث سوم : علل رافع مسئولیت کیفری

**مبحث اول : مسئولیت کیفری بزهکار**

گفتار اول : **مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی** : مسئولیت کیفری در حدود قصاص و تعزیرات زمانی محقق می شود که فرد حین ارتکاب جرم عاقل بالغ و مختار باشد ( دیات را ننگفته چون در مبحث خطای محض در قتل فرد که مجنون یا صغیر است دیه را عاقله وی پرداخت می کنند).

گفتار دوم : **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی** : بعد از جرایم رایانه ای که در ماده ۱۹ به آن اشاره شده است در ماده ۱۴۳ قانون جزا مسئولیت کیفرس را پذیرفته است.

- در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی مسولیت دارد که در راستا یا منافع آن مرتکب جرم شود. ( در م ۱۴۳ به نام **یا** راستا ذکر شده است اما در م ۹ جرایم رایانه ای به نام **و** در راستا ذکر شده است).
- بر اشخاص حقوقی قصاص و حد قابل اعمال نیست ولیکن مجازات تعزیری و دیه و خسارات بر اشخاص حقوقی قابل اعمال است.

**گفتار سوم : مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری**

در ماده ۱۴۲ دو فرض پیش بینی شده فرض تقصیر (خطا) و فرض قانونی (خطر)

م ۱۴۲) مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در صورتی ثابت می شود که شخص به **طور قانونی** مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار دیگری مرتکب **تقصیر** شود.

قسمت اول ماده به طور قانونی اشاره دارد مانند وظیفه عاقله هر چند عاقله تقصیر نکرده باشد مکلف به پرداخت دیه است.

قسمت دوم ماده تقصیر را گفته به طور مثال مسئولیت کارفرما . کارفرما در صورتی که تقصیر کرده باشد لوازم کار ، آموزش و نظارت را برای کارگر فراهم نکرده باشد و حادثه ای رخ دهد طبق قسمت دوم ماده مسئول است.

## مبحث دوم . مداخله کنندگان در جرم

### گفتار اول : شرکت در جرم

ماده ۱۲۵ قانون جزا دو شرط را لازم دانسته است . بند اول : شرایط تحقق شرکت در جرم

**الف ( شرکت در عملیات اجرایی جرم )** (ب) مستند بودن نتیجه رفتار به رفتار همه شرکا

برای مثال : اگر ۴ نفر بخواهند مرتکب قتل شخصی شوند یک نفر به عنوان ممسک مقتول را نگه دارد و ۳ نفر چاقو بزنند و پزشک قانونی قتل را ناشی از ضربه چاقو الف ، ب بداند و ضربه چاقویی که ج زده در قتل مقتول تاثیری نداشته پس شرکای این جرم الف و ب بوده و ج شریک در جرم نیست و عنوان مجرمانه خاص خود را دارد (ایراد جرح ) و مجازات ممسک که حبس ابد است. پس برای شرکت در جرم هر دو شرط نیاز است ج در عملیات اجرایی جرم شرکت کرده ولی قتل مستند به عمل وی نبوده و اقای ممسک در عملیات اجرایی جرم زدن چاقو شرکت نکرده اما قتل مستند به عمل وی بوده پس شریک در جرم نخواهد بود.

**نکته :** شرکت در جرم تبانی و وحدت قصد بین شرکای جرم لازم نیست برخلاف معاونت در معاونت وحدت قصد لازم است.

**نکته:** جرم و نتیجه باید مستند به رفتار همه شرکا باشد مثلاً ضربه چاقوی الف ۸۰٪ در قتل موثر بوده و ب ۲۰٪ پس جرم مستند به رفتار هر دو می باشد ( خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ) **بند دوم : مجازات**

### شرکا در جرم

مجازات شرکای در جرم مجازات فاعل مستقل است اگر مثلاً ۲ نفر شرکا یک نفر را به قتل برسانند مجازات هر کدام قصاص است.

### گفتار دوم : معاونت در جرم

بند اول ( شرایط تحقق معاونت در جرم

**(۱) فعل اصلی مباشر باید جرم و قابل مجازات باشد:**

ماده ۱۲۶ ق مجازات در مورد معاون جرم توضیح داده. نظام معاونت استعاره ای، فعل معاون در صورتی جرم است که عمل مباشر جرم باشد مثلاً دروغگویی جرم نیست پس معاونت در آن هم جرم نیست خودکشی جرم نیست پس معاونت در خودکشی هم جرم نیست.

**(۲) فعل معاونت به اتمام رسیده باشد**

شروع به معاونت جرم نیست مگر خود مستقلاً عنوان مجرمانه خاص داشته باشد مثلاً شخصی اسلحه تهیه کرده تا به مباشر جرم دهد برای قتل ولی از عمل خود منصرف میشود پس معاون به مجازات تهیه سلاح که

عنوان مجرمانه خاص دارد محکوم می شود. پس معاون در صورتی قابل مجازات است که عمل انجام شده باشد

مثال دوم: فردی شروع به جرمی می کند که مجازاتش حبس درجه ۶ و ۷ است شروع به جرمش جرم نیست (طبق ماده ۱۲۲ حبس تعزیری درجه ۶ تا ۸ قابل مجازات نیست) پس معاونت وی هم قابل مجازات نیست.

**۳) فعل اصلی مباشر باید به اجرا درآید هرچند به اتمام نرسد**

**۴) فعل معاونت فعل ایجابی باشد**

معاونت با ترک فعل محقق نمی شود (باید فعل ایجابی باشد. فعل مثبت) اما در مواردی معاونت با ترک فعل محقق می شود (بعضی قوانین خاص) به چند مورد اشاره میکنیم.

ماده ۱۴ قانون تامین مالی تروریسم در جرایم پولشویی عملیات مشکوک را باید اطلاع دهند اگر اطلاع ندهند به مجازات معاونت در جرم محکوم می شوند. یا مطابق ماده ۱ قانون انتقال مال غیر اگر مالک از فروش مال خود مطلع شد باید آنرا به خریدار اطلاع دهد در صورتی عدم اطلاع به مجازات معاونت در انتقال مال غیر محکوم می شود.

یا ماده ۲ اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور مدیران و سایر اشخاص در صورتی که از جرمی مطلع شوند باید اطلاع دهند در صورت عدم اطلاع به مجازات معاونت محکوم می شوند.

**۵) فعل معاونت پیش از جرم اصلی یا همزمان با آن ارتکاب یابد (تقدم یا اقرار زمانی رفتار معاون و مرتکب جرم)**

اگر فعل معاون بعد از فعل مباشر باشد معاونت نخواهد بود و عنوان مجرمانه خاص خویش را دارد.

مثلا شخصی دیگری را برای سرقت از بانک تا مقصد می رساند عمل وی معاونت در سرقت است چون مقدم بر عمل مباشر است ولی اگر بعد از سرقت مباشر با کسی دیگر برگردد عمل شخص موخر معاونت در سرقت نیست و عنوان مجرمانه دیگر دارد.

**وحدت قصد بین معاون و مباشر**

معاونت در جرایم غیرعمدی محقق نمی شود چون در جرایم غیرعمدی وحدت قصدی وجود ندارد.

**بند دوم عناوین (مصادیق) قانونی معاونت**

**الف) هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب کند یا با دسیسه و فریب یا با سواستفاده از قدرت وقوع جرم گردد.**

ترغیب جنبه غیرمالی را شامل می شود مثلا ترغیب در ازدواج . تطمیع جنبه مالی را شامل می شود تحریک شرایط دارد مثلا فردی و مستقیم باشد سواستفاده از قدرت با اکراه فرق دارد مثلا کارفرما به کارگرش می گوید من فردا دادگاه دارم و تو هم بیا و شهادت بده و کارگر هم از ترس از دست دادن کارش اطاعت کند این نوعی از سواستفاده از قدرت توسط کارفرماست

**ب) هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد**

ماده ۶۶۴ ساخت کلید معاونت به عنوان جرم مستقل بیان شده

طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دادن مثلا هنگام سرقت از بانک از فلا درب برو مسیر و نقشه راه را به او گفتن

**ج) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند**

مثلا قبل از اینکه تو بخواهی سرقت کنی من درب را برای تو باز میکنم.

**بند سوم : مجازات معاونت در جرم**

**م ۱۲۷** ق مجازات اول بینیم در شرع یا قانون برای معاون مجازات وجود دارد اگر وجود نداشت به ماده ۱۲۷ مراجعه میکنیم.

مثلا مجازات ۱) ممسک ( نگه دارنده مقتول ) حبس ابد هست ۲) مجازات دیده بان کسی که دیده بانی می کند تا قاتل مقتول را به قتل برساند نابینایی هردو چشم هست ۳) طلیع کسی که وضعیت راهها را می گوید این مجازات های معاون در شرع تعیین شده است.

در قانون . ماده ۷۱۰ ق جزا . کسانی که به دایرکنندگان قمار کمک می کنند معاون محسوب می شوند

ماده ۳ قانون قاچاق انسان مجازات معاون ۲ تا ۵ سال حبس است.

مجازات معاون طبق ماده ۱۲۷ ق مجازات اسلامی:

مباشر	معاون
مجازات سلب حیات و حبس ابد	حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳
شلاق حدی	شلاق تعزیری درجه ۶ (۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق)
تعزیر	یک تا دو درجه پایین تر از جرم ارتكابی
جرم سرقت حدی و قطع عمدی عضو	حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶

**تبصره ۱ م ۱۲۷** ) در تعزیرات مجازات معاون یک تا دو درجه پایین تر از جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال (جزای نقدی درجه ۴) انفصال دائم (جزای نقدی درجه ۶) و انتشار حکم محکومیت ( جزای نقدی درجه ۷) می باشد.

نکته : در مواردی قانونگذار مجازات معاون را به عنوان مجازات مستقل می داند ماده ۵۰۴، ۵۱۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۶۲۴ و ۵۹۵.... (مراجعه به قانون و مطالعه مواد ذکر شده )

### جلسه سوم

**مبحث سوم : علل رافع مسئولیت کیفری :** همانطور که در مباحث قبل ذکر شده علل شخصی است که روی مجرم اثر می گذارد ماده ۱۴۰ ق مجازات اسلامی مسئولیت کیفری منوط به عقل بلوغ و اختیار است هر وقت یکی از این موارد نباشد با علل رافع مسئولیت کیفری مواجهیم.

(۱) صغرسن

(۲) جنون

(۳) مستی

(۴) اجبار و اکراه

(۵) اشتباه

**صغرسن :** سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است .

**گروه اول : اطفال زیر ۹ سال :** ماده ۸۸ ق جزا

(۱) اطفال زیر ۹ سال مرتکب **جرم تعزیری** شوند. هیچ اقدامی برای آنها پیش بینی نشده است.  
(۲) اطفال زیر ۹ سال مرتکب **حد یا قصاص** شوند تبصره ۲ ماده ۸۸ موارد الف تا پ برای آنها اعمال می شود تسلیم به والدین ، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی ، نصیحت به وسیله قاضی دادگاه. و اگر مرتکب به پرداخت دیه محکوم شود عاقله وی مکلف به پرداخت است.

**گروه دوم : افراد ۹ تا ۱۵ سال**

(۱) **ارتکاب جرایم تعزیری :** فرد ۹ تا ۱۲ سال مرتکب جرم تعزیری شود یکی از تصمیمات مذکور الف تا پ ماده ۸۸ برایش اعمال می شود.

ارتکاب جرایم تعزیری توسط افراد **۱۲ تا ۱۵** سال دو حالت دارد اگر جرم ارتكابی یکی از جرایم تعزیری درجه **۵ تا ۸** باشد فقط نگهداری در کانون اصلاح و تربیت اما افراد ۱۲ تا ۱۵ سال مرتکب جرم تعزیری درجه **۶ تا ۸** شوند یکی از تصمیمات مذکور الف تا ث اعمال می شود

۲) ارتکاب جرایم موجب حد و قصاص: دو حالت دارد اگر پسر باشد تبصره ۲ ماده ۸۸

الف) اگر پسر ۹ تا ۱۲ سال باشد یکی از تصمیمات مذکور الف تا پ اعمال می شود (تسلیم به والدین ، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی ، نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.)

ب) اگر پسر ۱۲ تا ۱۵ سال باشد بند ت یا ث ( اخطار و اخذ تعهد کتبی ، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت )

- اگر دختر باشد (۹ تا ۱۵ سال) با توجه به اینکه به سن بلوغ رسیده است به مجازات مقرر قانونی محکوم می شود مگر آن که حرمت شرعی آن را درک نکرده باشد به مجازات ذکر شده در قانون محکوم می شود.

### گروه سوم : افراد ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی

۱) اگر مرتکب حد یا قصاص شود : به مجازات مقرر قانونی ( حد و قصاص) محکوم می شود چون هم دختر هم پسر به سن قانونی رسیده اند مگر آنکه حرمت شرعی آن را درک نکنند به مجازات مقرر این قانون محکوم می شوند .

۲) اگر مرتکب جرم تعزیری شود

جرایم	مجازاتها
جرم تعزیری درجه ۱ تا ۴	فقط نگهداری در کانون اصلا و تربیت
جرم تعزیری درجه ۵	جزای نقدی یا نگهداری در کانون اصلاح تربیت یا خدمات عمومی رایگان
جرم تعزیری درجه ۶	پرداخت جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان
جرم تعزیری درجه ۷ و ۸	پرداخت جزای نقدی

### جنون

مجنون کیست ؟ مطابق ماده ۱۴۹ ق مجازات جنون در صورتی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است که مرتکب در زمان ارتکاب جرم ۲ شرط لازم است ۱) دچار اختلال روانی ۲) به نحوی که فاقد اراده و قوه تمیز باشد (مجنون است و مسئولیت کیفری ندارد)

الف) جنون پیش از ارتکاب جرم

ب) جنون حین ارتکاب جرم : جنون حین ارتکاب جرم از عوامل رافع مسئولیت کیفری است و قرار موقوفی تعقیب صادر می شود ماده ۲۲۰ ادک به این موضوع اشاره کرده است.



ج) جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی: رسیدگی و تعقیب به تعویق می افتد مگر تبصره ماده ۱۳ قانون آ.د.ک که اگر این ۳ شرط باشد رسیدگی ادامه پیدا می کند (۱) جرم حق الناسی باشد (۲) شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که مرتکب در حال افاهه هم نتواند از خود دفاع کند (۳). با حضور الزامی وکیل.

د) جنون پس از صدور حکم قطعی: ماده ۵۰۳ قانون آ.د.ک. در جرایم موجب قصاص جنون مانع مجازات نیست در جرایم موجب حد، حد اجرا می شود و جنون مانع اجرای حد نیست ولی در جرایم تعزیری جنون مانع اجرای مجازات می شود مگر دو مورد. الف) محکومیت های مالی که مجازات اجرا می شود مثل جزای نقدی یا مصادره اموال ب) حبس، که حبس تبدیل می شود به نگهداری در مکان مناسب (مثلا تیمارستان) که این مدت جز مدت حبس وی حساب می شود.

### مستی

در م ۱۵۴ قانون مجازات اصل این است که مستی از علل رافع مسئولیت کیفری به حساب نیاید مگر با دو شرط:

(۱) مرتکب خود را برای ارتکاب جرم مست نکرده باشد.

(۲) در حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار باشد.

اگر به منظور ارتکاب جرم مست کرده باشد یا علم به آن داشته باشد به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.

### اکراه

#### شرایط اکراه

(۱) تهدید از سوی انسان دیگر باشد

(۲) تهدید باید غیرقانونی، غیرقابل تحمل، غیرقابل اجتناب و غیرقابل دفع به وسیله دیگری غیر از ارتکاب جرم باشد: اگر تهدید قابل تحمل و قابل اجتناب و قابل دفع باشد می شود معاونت است ( چون تهدید یکی از مصادیق معاونت است).

(۳) مرتکب دارای اراده باشد. فردی به پدری تماس می گیرد می گوید مقداری پول برایم بفرس و گرنه فرزندت را می کشم پدر اختیار دارد یا پول را واریز کند یا اقدام دیگری مثلا تماس با پلیس ( پس در اکراه اراده و اختیار وجود دارد برخلاف اجبار)

مثالی برای اجبار در خواب شخصی انگشت کسی را میگیرد و ذیل سند را امضا می کند در این جا فرد هیچ اختیاری ندارد.

تفاوت بین اجبار و اکراه در چیست؟ در اکراه فرد اختیار دارد بین دو عمل یکی را انتخاب کند ولی در اجبار هیچ اختیاری وجود ندارد.

## اکراه در جرایم مختلف

(۱) **اکراه در جرایم تعزیری** : م ۱۵۱ قانون مجازات اکراه در جرایم تعزیری تاثیر دارد و اکراه کننده به مجازات مقرر قانونی محکوم می شود.

(۲) **اکراه در جرایم موجب حد** : اگر کسی دیگری را به شرب خمر اکراه کند نه اکراه کننده نه اکراه شونده به مجازات حد محکوم نمی شوند .

(۳) **اکراه در جرایم موجب قصاص** :

**الف) اکراه در جرایم قتل** : م ۳۷۵ ق جزا اکراه در قتل مجوز قتل نیست مرتکب (مباشر) قصاص می شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود .

- اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده قصاص می شود.

- اگر طفل ممیز باشد هیچ کس قصاص نمی شود اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود و اکراه شونده عاقله اش دیه مرتکب را می پردازند.

**ب) اما جنایت مادون قتل ( عضو )** اکراه کننده به قصاص عضو محوم می شود ( م ۳۷۷ )

**نکته** : آقای الف به آقای ب می گوید آقای ج را به قتل برسان وگرنه تورا می کشم ب به جای اینکه ج را به قتل برساند از خودش دفاع کند و شرایط دفاع مشروع هم وجود داشته باشد الف را به قتل برساند از علل موجهه جرم است و ب قصاص نمی شود.

**نکته** : الف به ب می گوید ج را بکش ب، ج را به قتل نرساند و الف آقای ب را به قتل برساند الف قصاص می شود.

## اجبار

در اجبار هیچ اختیاری نیست . اجبار یا مادی است یا معنوی .

اجبار مادی به درونی و بیرونی تقسیم می شود و اجبار معنوی هم به درونی و بیرونی تقسیم می شود.

(۱) **مثال برای اجبار مادی درونی** : ( ناشی از حوادث قهریه مثل سیل زلزله و... ) شخص جلسه دادگاه دارد و سیل آمده و به خاطر انسداد راهها نمی تواند خود را به دادگاه برساند.

**مثال برای اجبار مادی بیرونی** : ( ناشی از عامل انسانی ) مانند انگشت گرفتن کسی ذیل سند توسط شخص دیگری

(۲) **مثال برای اجبار معنوی درونی** : شخصی دارای بیماری قند خون است و بی اختیار دستش را تکان می دهد و موجب ضرب و جرح می شود پس اجبار معنوی درونی است و مسئولیت کیفری ندارد.

(ولی اگر شخصی بابت هیجان‌های درونی مثل ناراحتی خوشحالی عملی انجام می‌دهد که منجر به جرم می‌شود این اکراه معنوی درونی است و رافع مسئولیت کیفری نیست چون اختیار داشته است.)

**مثال برای اجبار معنوی بیرونی:** فردی دیگری را می‌ترساند و این فرد فرار می‌کند و به فرد ثالث برخورد می‌کند و فوت میکند در این جا ترساننده ضامن است.

### اشتباه

اشتباه دو نوع است حکمی و موضوعی

اشتباه موضوعی از علل رافع مسئولیت کیفری است مثلاً اشتباه موضوعی در قتل باعث می‌شود قتل از عمد به شبه عمد تبدیل می‌شود.

اما اشتباه حکمی رافع مسئولیت کیفری نیست ولی دو استثنا دارد (۱) تحصیل علم عادتاً ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود. (در این موارد جهل به حکم رافع مسئولیت کیفری است.)

### حقوق جزا عمومی ۳

مبحث اول: طبقه بندی مجازات و اقدامات تأمینی تربیتی

مبحث دوم: تعیین مجازات

مبحث سوم: نهادهای ارفاقی

مبحث چهارم: علل سقوط مجازات

مبحث اول: طبقه بندی مجازات و اقدامات تأمینی تربیتی

(۱) **حد:** ماده ۱۵. مجازات‌هایی است که موجب (مثل شرب خمر)، نوع (حدجلد یا شلاق)، میزان، (۸۰ ضربه) و کیفیت اجرای (طریقه اجرا تعیین شده) آن در شرع تعیین شده.

اقسام جرایم حدی: مثل زنا، لواط، مساحقه، تفخیز، شرب خمر، سب نبی، محاربه، افساد فی الارض، بغی، سرقت حدی و... مجموعاً ۱۲ تا هستند.

(۲) **قصاص:** جنایت عمدی بر نفس اعضا و منافع (که در جزا بررسی می‌شود).

(۳) **دیه:** مجازات اصلی جنایت غیرعمدی بر نفس اعضا و منافع و مجازات غیراصولی بر جنایت عمدی بر نفس اعضا و منافع در مواردی که به هر جهت امکان قصاص نباشد. (۱- هر جا که قصاص امکان ندارد و ۲- در جرایم غیرعمدی دیه جایگزین می‌شود)

دیه به مقدر و غیرمقدر تقسیم شده.

دیه مقدر: در شرع تعیین شده

دیه غیرمقدر: در شرع تعیین نشده و با توجه به دیه مقدر و نظر کارشناسی تعیین می شود.

۴) **تعزیر:** ماده ۱۸ ق مجازات به ۲ شرط اشاره کرده است. ۱- ارتکاب محرمات شرعی ۲- نقض مقررات حکومتی

**الف) ارتکاب محرمات شرعی به دو دسته تقسیم می شود.** تعزیر منصوص شرعی و تعزیر غیر منصوص شرعی

**تعزیر منصوص شرعی:** هم جرم هم مجازات آن در شرع تعیین شده است. مثل ماده ، ۲۲۲، ۲۳۷ ، ۶۳۷ (تقبیل مضاجعه و...)

**تعزیر غیر منصوص شرعی:** جرم در شرع تعیین شده ولی مجازات به حاکم واگذار شده است. مثل اختلاس ، کلاهبرداری و...

**ب) نقض مقررات حکومتی:** هم جرم هم مجازات توسط قانونگذار تعیین شده مثل چک بلامحل و...

## گفتار دوم

### طبقه بندی مجازاتها بر حسب نسبت آنها به یکدیگر

۱) **مجازات های اصلی:** مجازات های اصلی مجازات های اولیه ای هستند و نه در تکمیل مجازات دیگر و نه تابع مجازات دیگر.

۲) **مجازات های تکمیلی:** ماده ۲۳ قانون مجازات . دادگاه می تواند (یعنی این مجازاتها اختیاری هستند) و شامل حد ، قصاص ، و تعزیر درجه ۱ تا ۶ می باشند (تعزیر درجه ۷ و ۸ را شامل نمی شود)

- مدت مجازات تکمیلی ۲ سال است. مگر قانون به نحو دیگر مقرر کرده باشد. ( مثلا ماده ۲۴ گفته در صورت تخلف از تبعیت از دستورهای دادگاه تا یک سوم مجازات تکمیلی افزوده می شود. مثلا اگر مجازات تکمیلی ۱۸ ماه است در صورت تخلف برای اول یک سوم به آن افزوده می شود. در صورت تکرار تخلف حبس یا جزای نقدی درجه ۷ و ۸ به آن افزوده می شود.

- مجازات تکمیلی هم جرایم عمدی هم غیرعمدی را در صورتی که تعزیر درجه ۱ تا ۶ باشد را شامل می شود .

- مجازات تکمیلی در تکمیل مجازات اصلی نیست. این بدان معنا نیست که قانون گذار مجازات اصلی را کم گفته باشد و مجازات تکمیلی بیاید و مجازات اصلی را تکمیل کند

- مجازاتهای تکمیلی تعیین آن از طرف دادگاه اختیاری است ولی در صورت تعیین در حکم دادگاه (دادنامه) باید قید شود.

- مجازات تکمیلی باتوجه به عوامل جرم زا (عواملی که باعث شده شخص مرتکب جرم شود) تعیین می شود. طوری که فرد دیگر مرتکب جرم نشود.

**مجازات های تبعی** در ماده ۲۵ ق.م.ا پیش بینی شده است. مجازات تبعی یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی، مجازات تبعی به تبع مجازات اصلی می آید مجازات تبعی در دو صورت است یا (۱) حکم صادر شده و اجرا گشته یا (۲) حکم مشمول مرور زمان گردد (مثلا ده سال گذشته و حکم اجرا نشده پس حکم مشمول مرور زمان می گردد و مجازات تبعی (محرومیت از حقوق اجتماعی) اعمال می گردد. ) .

### مدت زمان مجازات تبعی

**مدت ۷ سال :** مجازات سلب حیات و حبس ابد . مجازات تبعی از چه تاریخی شروع می شود ؟ از تاریخ توقف اجرام حکم اصلی

**مدت ۳ سال :** محکومیت به قطع عضو ، قصاص عضو ( در صورتی که بیش از نصف دیه باشد ) ، نفی بلد ، حبس تا درجه ۴

**مدت ۲ سال :** محکومیت به شلاق حدی ، قصاص عضو ( نصف دیه یا کمتر از آن ) و حبس درجه ۵

مثلا قطع یک دست محرومیت اجتماعی اش می شود ۲ سال پس از اجرای حکم

چه مواردی مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی نیستند ؟ محکومیت به جزای نقدی ، شلاق تعزیری ، حبس درجه ۶،۷،۸.

تبصره ۳ ماده ۲۵ در عفو و ازادی مشروط این مواعد (۷،۳،۲ سال) از زمان عفو (منظور عفو خصوصی است. چون عفو عمومی محرومیت از حقوق اجتماعی را از بین خواهد برد) یا اتمام آزادی مشروط محرومیت اجتماعی اعمال می شود.

- پس از این مواعد از شخص اعاده حیثیت می شود مگر در موارد الف ، ب، پ ماده ۲۶

ماده ۲۶ و تبصره آن از کتابچه قانون مطالعه شود.

## مبحث دوم

### تعیین مجازات

گفتار اول معافیت ، تخفیف و تبدیل مجازات

**بنداول : معاذیر معافیت از مجازات**

الف ( معاذیر قانونی معافیت از مجازات ( مواد ۵۰۷ تعزیرات ) مراجعه به کتاب قانون و مطالعه ماده ذکر شده.

ب) معاذیر قضایی معافیت از مجازات ( ماده ۳۹ ) دادگاه می تواند در تعزیر درجه ۷ و ۸ پس از احراز مجرمیت و اصلاح مرتکب ، فقدان سابقه کیفری موثر، گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان حکم به معافیت از کیفر بدهد.

#### بند دوم : معاذیر تخفیف دهنده

الف ( معاذیر قانونی تخفیف دهنده: ( م ۵۲۱ ، ۵۸۵ ، و ۵۵۴ و تبصره آن ) . در قانون تعیین شده است و قاضی الزام ( تکلیف ) به آن دارد. مطالعه مواد از کتابچه قانون

ب) معاذیر قضایی تخفیف دهنده ( کیفیات مخففه): مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا . قاضی مختار در اعمال معاذیر قضایی است.

۱) جهات تقلیل یا تبدیل مجازات : ماده ۳۸ (مطالعه ماده)

۲) موارد تقلیل یا تبدیل مجازات : ماده ۳۷

مجازات	تقلیل یا تبدیل	نوع و میزان
حبس	تقلیل	یک تا ۳ درجه از همان نوع
	تبدیل	فقط به مجازات جایگزین حبس
مصادره اموال	تبدیل	جزای نقدی درجه ۱ تا ۴
انفصال دائم	تبدیل	به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال
سایر مجازات های تعزیری	هم تقلیل هم تبدیل	به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

#### بند سوم : مجازات های جایگزین حبس

۱) تبدیل مجازات حبس الزامی : (تبدیل مجازات حبس به جایگزین حبس)

مجازات های جایگزین حبس من جمله دوره مراقبت ، خدمات عمومی رایگان ، جزای نقدی ، جزای نقدی روزانه ، محرومیت از حقوق اجتماعی

- الف) مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها ۳ ماه حبس است .
- ب) مرتکبان جرایم غیرعمدی که حداکثر مجازات آنها دوسال حبس است.
- ج) مرتکبان جرایمی که نوع و میزان تعزیرشان در قانون تعیین نشده است. ماده ۶۹
- د) مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است. ( الزامی مشروط گویند). ماده ۶۶.
- الزامی دو شرط دارد. الف) سابقه محکومیت کیفری به شرح ذیل نداشته باشد. ب) واز اجرای آن ۵سال نگذشته باشد.
- الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال .
- ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

## ۲) تبدیل مجازات حبس اختیاری :

- الف) در جرایم عمدی یا مجازات بیش از ۶ماه تا یکسال .
- ب) و مجازات غیرعمدی بیش از ۲سال حبس ( در واقعه سابقه محکومیت قطعی یک فقره یا بیش از یک فقره ماده ۶۶ را نداشته باشد).
- ماده ۶۴ به دو مورد گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف اشاره کرده است. ولی رای وحدت رویه ۷۴۶ در مواردی که تبدیل مجازات حبس الزامی داریم این دو شرط لازم نیست. ( اما در تبدیل حبس اختیاری) جرایم عمدی ۶ماه تا ۱ سال حبس و مجازات غیر عمدی حبس بیش از دو سال) این دو شرط لازم است .

## ۳) موارد ممنوعیت اعمال مجازات جایگزین حبس .

- الف ) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ماده ۷۲
- ب) تعدد جرایم عمدی که حداقل یکی از آنها بیش از ۶ ماه حبس است. ماده ۷۵
- ج ) مجازات قانونی جرم عمدی که بیش از یکسال حبس است در صورت تخفیف به کمتر از یکسال مانع از اعمال مجازات جایگزین حبس است. ماده ۷۳.

## گفتار دوم : جهات تشدید مجازات

## بنداول : تعدد جرم

الف) **تعدد در جرایم تعزیری :** تعدد مادی ، تعدد نتیجه، تعدد معنوی

ب) **تعدد در جرایم حدی :** تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مثلا شخصی مرتکب شرب خمر ( ۸۰ ضربه شلاق ) و مرتکب زنا ( ۱۰۰ ضربه شلاق شده است. ) جمع مجازات ها ملاک است که ۱۸۰ ضربه شلاق (جلد) می خورد.

## الف ) تعدد در جرایم تعزیری

**تعدد مادی :** فردی چند جرم انجام می دهد یک بار خیانت در امانت یکبار کلاهبرداری یک بار مرتکب سرقت می شود. ( هر جرم مجازات خود را دارد.)

### ۱) جرایم ارتكابی تا ۳ جرم باشد.

مجازات اشد قابل اجراست . مثلا جرمی ۱ تا ۷ سال حبس (در صورتی که مجازات دارای حداقل و حداکثر است اگر بخواهیم تشدید کنیم حداکثر حبس ملاک است ۷ سال حبس ملاک است.) جرمی ۱ تا ۵ سال حبس دارد(۵ سال حبس ملاک است. ) ۴ سال حبس است. ( چون فاقد حداقل و حداکثر است در واقعه ثابت است اگر بخواهیم تشدید کنیم یک چهارم حبس اضافه میکنیم. . پس می شود ۵ سال ). حداکثر را ملاک قرار می دهد که در این مثال ۷ سال حبس ملاک قرار می گیرد.

### ۲) جرایم ارتكابی بیش از ۳ جرم باشد.

حداکثر تا نصف اضافه می شود. مثلا ۱ تا ۷ سال حبس نصف ۷ سال می شود ۳/۵ سال پس می شود ۱۰/۵ سال . ۱ تا ۵ سال حبس می شود ۷/۵ سال و ۶ ماه تا ۳ سال حبس می شود ۴/۵ سال و ۴ سال حبس می شود ۵سال. و حداکثر اینها ۱۰/۵ سال را محاسبه می کنیم.

**تعدد نتیجه (در حکم تعدد مادی) :** فردی یک رفتار انجام می دهد ولی چند نتیجه می دهد مثلا ۳

ماشین کنار خیابان پارک است و ماده منفجره ای می زند و هر ۳ ماشین منفجر می باشد .

مثال دوم: فردی به ۴ نفر با یک لفظ توهین می کند رفتار یکی است ولی نتایج متعدد است. (سوال وکالت پارسال) .

مثال سوم : شخصی در اتوبوسی ۱۰ نفر مسافر را می رباید ( رفتار واحد نتیجه متعدد.)

هرجا که بزه دیده متعدد باشد با تعدد نتیجه مواجه هستیم .

تعدد نتیجه حکمش همان تعدد مادی است.



**تعدد معنوی یا اعتباری:** ماده ۱۳۱ اشاره دارد. رفتار واحد عناوین متعدد دارد. کسی ماشین اش را می گذارد در اختیار امین، امین ماشین شخص را می فروشد یک رفتار انجام داده ولی به ۲ جرم محکوم می شود (۱) خیانت در امانت (۲) فروش مال غیر

در تعدد معنوی مجازات اشد اجرا می شود ( یک مجازات اجرا می شود ) .

### **(ب) تعدد در جرایم موجب حد**

در صورتی که دو جرم حدی در راستای هم مثل لواط و تفخیز باشد فقط مجازات اشد اجرا می شود . تبصره ۳ ما ۱۳۲ اگر مرد و زنی چندبار مرتکب زنا شوند یکبار در شرایط احسان (حکمش رجم است) و یکبار بدون احسان (حکمش جلد) است فقط رجم اجرا می شود.

### **(۱) تعدد جرایم متفاوت ( حد ، قصاص، تعزیرات )**

مجازات ها جمع می شوند و اولویت با حد و قصاص است مثلا شخصی مرتکب سرقت ساده تعزیری و سرقت حدی شده است. اول حد انجام می شود و بعد تعزیر در قصاص و تعزیر هم اول قصاص انجام میشود و بعد تعزیر .

### **اما در چه صورت تعزیر اولویت پیدا می کند ؟**

الف) اگر حد یا قصاص سالب حیات باشد تعزیر مقدم میشود.

ب) اگر تعزیر حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد در این موارد اجرای تعزیر اولویت پیدا می کند.

**(۲) تعدد جرایم موجب ( حد و قصاص):** در ماده ۱۳۲ در حد و قصاص مجازات ها جمع می شوند. ما ۳ اولویت داریم

الف) مثلا شخص دو جرم شرب خمر ( ۸۰ ضربه شلاق است.) و هم قتل عمدی ( قصاص ) مرتکب شده است پس در اینجا اول حد اجرا می شود چون با اجرای حد قصاص از بین نمی رود.

ب) در صورتی که اجرای حد، قصاص را از بین ببرد قصاص اولویت دارد . مثلا زنای به عنف با مجازات اعدام و قصاص

ج) در صورت گذشت اولیای دم و عدم مطالبه فوری قصاص اجرای حد اولویت پیدا می کند.

### **(۳) تعدد جرم حدی و جرم تعزیری از جنس جرم حدی**

فقط مجازات حدی اجرا می شود مثلا زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا فقط مجازات زنا انجام می شود. یا سرقت حدی ( مجازاتش مثلا قطع عضو) و سرقت تعزیری ( مجازات حبس) که مجازات سرقت حدی انجام می شود به جز قذف و توهین که هر دو مجازات اجرا می شود. م ۱۳۵

## تکرار جرم

الف) تکرار جرم تعزیری :

۱) شرایط تحقق تکرار جرم.

- فردی مرتکب محکومیت قطعی جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ شود.  
- ارتکاب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ دیگری از تاریخ قطعیت جرم قبلی تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان گردد.

۲) میزان تشدید : به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر محکوم می شود.

ب) تکرار در جرایم موجب حد: ماده ۱۳۶ هرکس ۳ بار موجب یک نوع حد شود حد وی در مرتبه ۴ اعدام است.

۱) جرایم از یک نوع باشد (مثلا ۳ مرتبه مرتکب زنا شده باشد و هربار حد برای او اجرا شده باشد زنا در مرتبه ۴ اعدام است. )

تفاوت در تکرار جرم تعزیری و تکرار جرم حدی در چیست ؟ در تکرار جرم تعزیری محکومیت قطعی ملاک است در تکرار جرم حدی اجرای مجازات شرط است.

## چند نکته

- هم در تعدد جرم هم در تکرار جرم امکان تخفیف مجازات وجود دارد چنان چه دارای حداقل و حداکثر باشد تا میانگین حداقل و حداکثر است. و اگر مجازات ثابت باشد تا نصف مجازات مقرر در آن می تواند تخفیف دهد.
- در جرایم تعزیری ۷ و ۸ نه تعدد جرم داریم نه تکرار جرم . در تعدد جرم اگر شخصی مرتکب جرم تعزیری درجه ۵ و ۷ گردد این دو باهم جمع می شوند.
- م ۱۳۸ تکرار جرم در جرایم سیاسی مطبوعاتی اطفال اعمال نمی شود.
- اگر شخصی مرتکب ۳ فقره محکومیت قطعی مشمول تکرار جرم گردد مقررات تخفیف اعمال نمی گردد.

کتابچه قانون مربوط به سر فصل های گفته شده در جزوه مطالعه شود.

**جلسه چهارم**

**مبحث سوم: نهادهای ارفاقی به حال متهم**

**گفتار اول: قرار تعویق صدور حکم (م ۴۰ ق.م.ا)**

**گفتار دوم: تعلیق اجرای مجازات (م ۴۶ ق.م.ا)**

**گفتار سوم: آزادی مشروط**

**گفتار چهارم: نظام نیمه آزادی**

**گفتار پنجم: نظارت تحت سامانه های الکترونیکی**

**قرار تعویق صدور حکم:** جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ را شامل می شود. زمان اجرای تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت متهم است.

در ماده ۴۰ با وجود شرایط ذیل صدور حکم به مدت ۶ ماه تا دو سال به تعویق می افتد.

الف) وجود جهات تخفیف (ب) پیش بینی اصلاح مرتکب

ج) جبران ضرر و زیان (د) فقدان سابقه کیفری موثر

این موارد در تعلیق اجرای مجازات هم لازم است. ولی گذشت شاکی شرط نیست (دقت شود).

- قرار تعویق می تواند به صورت ساده یا مراقبتی باشد (م ۴۱) در تعویق ساده مرتکب به صورت کتبی متعهد می شود مرتکب جرمی نشود.
- در تعویق مراقبتی: علاوه بر رعایت تعویق ساده متعهد می گردد دستورات و تدابیر مقرر شده از سوی دادگاه را رعایت کند. تعویق مراقبتی همراه با تدابیر است مثل حضور به موقع، ارائه اسناد و اطلاعات لازم و... که در ماده ۴۲ بیان شده.
- دادگاه نمی تواند قرار تعویق را به صورت غیابی صادر کند.

اما تعویق مراقبتی همراه با دستورات ماده ۴۳ دادگاه می تواند (اختیار دارد) به صدور دستورات. مثل ترک اعتیاد، پرداخت نفقه افراد واجب النفقه، خودداری از ارتباط با شرکا و معاونان جرم و... (پس اختیار دادگاه در صدور دستورات و تکلیف محکوم علیه در اجرای آن.)

**قرار تعلیق اجرای مجازات:** در ماده ۴۶ جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ را شامل می شود. می تواند حین صدور حکم یا پس از اجرای یک سوم مجازت. و به مدت ۱ تا ۵ سال اجرای مجازات را معلق می کند

که مقام قضایی می تواند تمام مجازات یا قسمتی از آن را تعلیق کند.

- ماده ۴۷ یکسری جرایم را پیش بینی کرده است که نه امکان تعویق صدور حکم و نه امکان تعلیق اجرای مجازات و نه تعلیق تعقیب (م ۸۱ ادک) و همچنین شروع آنها قابل تعلیق و تعویق نیست. بند ت ماده ۴۷ به رای وحدت رویه ۷۷۸ اشاره دارد مشروبات الکلی در صورتی قابل تعلیق و تعویق نیست که قاچاقش به صورت عمده باشد.

اما قاچاق انسان هم عمده هم غیر عمده را شامل می شود.

بند ج ماده ۴۷ جرایم اقتصادی با موضوع بیش از ۱۰۰ میلیون ریال معادل ۱۰ میلیون تومان (یعنی بیشتر از ۱۰ میلیون تومان) و با تبصره ماده ۳۶ انتشار حکم محکومیت قطعی در صورتی است که ۱ میلیارد ریال یا بیش از آن باشد. (حداقل یک میلیارد ریال).

بند پ قدرت نمایی با چاقو که به ماده ۶۱۷ تعزیرات اشاره دارد. ماده ۶۱۷ به چاقو و اسلحه اشاره کرده است. و جرایم علیه عفت عمومی که به ماده ۶۱۹ اشاره کرده است. (مواد مطالعه گردد).

**آزادی مشروط:** در خصوص محکومیت به حبس است. مدتش ۱ تا ۵ سال است مگر مدت باقی مانده کمتر از یکسال باشد که معادل بقیه حبس است.

آیا بایستی حبس تعزیری برای بار اول باشد یا خیر؟ ملاک این اسنت که محکوم بخواهد از آزادی مشروط برای بار اول استفاده کند.

ازادی مشروط به ۲ صورت است. ۱) محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف مجازات مثلا اگر شخصی به ۱۴ سال حبس محکوم شود پس از گذشت ۷ سال از حبس می تواند از آزادی مشروط استفاده کند. ۲) اما اگر محکوم به حبس زیر ۱۰ سال محکوم شود پس از گذشت یک سوم مثلا اگر شخصی به ۹ سال حبس محوم شود پس از گذران ۳ سال حبس می تواند از نهاد آزادی مشروط استفاده کند.

- آزادی مشروط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرام احکام می باشد. ماده ۵۸ مواردی که محکوم باید رعایت کند تا مشمول آزادی مشروط گردد. ۱) حسن اخلاق ۲) پس از آزادی مشروط مرتکب جرم نگردد ۳) جبران ضرر و زیان ۴) که پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

- در تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط و تعلیق تعقیب چگونه لغو می شوند؟

- هم در تعویق هم در تعلیق در صورتی که در این مدت مرتکب یکی از جرایم موجب حد، قصاص، دیه جرم تعزیری درجه ۱ تا ۷ مرتکب شوند تعویق یا تعلیق اجرا لغو می شوند و صدور حکم محکومیت. در تعویق در صورت تخلف از دستورات دادگاه برای یکبار تا نصف مدت مقرر به تعویق اضافه می شود یا صدور حکم محکومیت.

یک تفاوت در قرار تعویق صدور حکم (در مدت ۶ ماه تا دو سال) اگر مثلاً مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۷ شود. قرار تعویق لغو می شود.

- اما در تعلیق اجرا اگر در مدت تعلیق ۱ تا ۵ سال مرتکب جرم تعزیری مثلاً درجه ۱ تا ۷ حد قصاص دیده شود در صورتی قرار تعلیق اجرای مجازات لغو می شود که حکم قطعی جرم صادر شده باشد. محکومیت تعلیقی بی اثر و اجرای حکم معلق و مجازات جرم اخیراً) در **تعلیق اجرای مجازات** در صورت **عدم رعایت دستورات دادگاه ۱ تا ۲ سال** به مدت تعلیق اضافه می گردد.

- **در آزادی مشروط** در مدت تعیین شده ۱ تا ۵ سال مرتکب حد قصاص دیده و تعزیر درجه ۷ شود علاوه بر مجازات جرم جدید مدت باقی مانده محکومیت به اجرا در می آید. در غیراینصورت آزادی مشروط قطعی می شود. در ماده ۶۱ **در صورت عدم رعایت دستورهای دادگاه ۱ تا ۲ سال** به مدت آزادی مشروط افزوده می شود و در صورت **تکرار** یا ارتکاب جرم عمدی حد قصاص دیده تعزیر درجه ۱ تا ۷ **علاوه بر مجازات جرم جدید مدت باقیمانده محکومیت** به اجرا در می آید.

- **در تعلیق تعقیب** م ۸۱ چند شرط لازم است تا قرار لغو شود اگر مرتکب جرم حد قصاص یا تعزیر درجه ۱ تا ۷ گردد بایستی جرم منتهی به صدور کیفرخواست شود یا عدم رعایت دستورهای دادگاه پس از ارتکاب جرم و قطعیت جرم جدید قرار لغو می شود.

**نیمه آزادی** : در ماده ۵۷ **حبس درجه ۵ تا ۷** مشمول این نظام است.

**نظارت تحت سامانه های الکترونیکی** : **حبس درجه ۵ تا ۸** است. و همچنین رضایت محکوم شرط است.

- وجه مشترک نظام آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی و نظام الکترونیکی هر ۳ در مورد محکوم است و پس از صدور حکم قطعی صادر می شود.

- نظام آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی و جایگزین حبس این ۳ نظام خاصیت حبس زدایی را دارند یا باعث می شوند بخشی از مجازات حبس اجرا نشود.

- نکته در مورد **گذشت شاکی** : در نظام نیمه آزادی گذشت شاکی شرط است.

ولی در تعویق صدور حکم تعلیق اجرای مجازات در آزادی مشروط و در سامانه های الکترونیکی گذشت شاکی شرط نیست.

در مجازات جایگزین حبس م ۶۴ در مواردی که اعمال مجازات اختیاری است. نیاز به گذشت شاکی دارد.

- **رضایت محکوم** : در آزادی مشروط رضایت محکوم شرط نیست.

در نظام نیمه آزادی و سامانه های الکترونیکی و قرار تعلیق تعویق ( ماده ۸۱ ق آدک) و همچنین خدمات عمومی رایگان رضایت محکوم شرط است.

**حقوق جزا اختصاصی ۱**

مبحث اول : جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

کبحث دوم: جرایم علیه معنویت اشخاص

مبحث اول : جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص

گفتار اول : انواع جنایات      گفتار دوم : تداخل جنایات

**گفتار اول : انواع جنایات :** تفکیک بین جنایات عمدی شبه عمدی و خطای محض باتوجه به عنصر معنوی است. در قانون جدید در حکم شبه عمد و در حکم خطای محض حذف شده است.

**بنداول : جنایات عمدی**

در ماده ۲۹۰ سه حالت را پیش بینی کرده است.

الف ( **قصد فعل + قصد نتیجه هرچند رفتار نوعا کشنده نباشد.**) بندالف ماده ۲۹۰) مثلا شخصی مدادی به سمت کسی پرات کرده است و فرد کشته شده هرچند رفتار کشنده نیست ولی به قصد کشتن او بوده است پس قتل عمدی است.

ب) **قصد فعل + عدم قصد نتیجه + رفتار نوعا کشنده + علم به کشنده بودن رفتار خود** ( مطابق بند ب ماده ۲۹۰) مثال : فردی دیگری را از طبقه ۱۲ به پایین پرت می کند قصد فعل داشته رفتار کشنده و علم به کشنده بودن عمل هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد جرم قتل عمد است .  
- اصل بر علم فرد بر کشنده بودن رفتار است مگر عدم علم خود را ثابت کند.

**آیا در این مثال امکان خلافت وجود دارد که علم نداشتیم ؟** بله تبصره ۱ ماده ۲۹۰ اشاره کرده در صورت جهل و عدم آگاهی جنایت عمدی نیست در صورت عدم اثبات جهل جنایت عمدی است. مثلا چند رفیق ماه گذشته در رودخانه شهر دیگر شنا کردند بدون آنکه اتفاقی بیفتد و ماه بعد در اثر بارندگی عمق رودخانه زیاد شده است مجدد به شنا رفته علم به عمیق بودن آب نداشته اند و یکی از آنها در رودخانه غرق می شود پس اینجا قتل عمدی نیست. اما اگر از اهالی آن شهر باشند مبنا را بر علم آنها می گذاریم .

**بند دوم : جنایات شبه عمدی :** مطابق ماده ۲۹۱ قتل شبه عمد ۳ حالت دارد.

الف) **مرتکب قصد فعل دارد + عدم قصد نتیجه + و رفتار نوعا کشنده نیست.**

چه تفاوتی بین این حالت و حالت دوم قتل عمد در چیست ؟ در رفتار نوعا کشنده بودن در قتل عمد و نوعا کشنده نبودن در قتل شبه عمد. مثلا: شخصی سیلی به دیگری می زند و فرد به قتل می رسد در اینجا قتل شبه عمد است چون رفتار نوعا کشنده نیست.

ب) مرتکب نه قصد فعل دارد نه قصد نتیجه مثلا هنگام تیراندازی نه قصد فعل ( تیراندازی ) به سمت ب را دارد و نه قصد نتیجه ( قصد قتل ) ولی آقای ب به قتل می رسد. اگر تقصیر کرده باشد می شود شبه عمد و اگر تقصیر نکرده باشد می شود خطای محض.

- قتل ناشی از تخلفات رانندگی شبه عمد است .

### **بند سوم : جنایات خطای محض**

الف) قصد تیراندازی به الف را دارد ولی تیر به ب می خورد و مرتکب تقصیری هم نشده است قتل خطای محض رخ می دهد.

ب) قتل در حال خواب و بیهوشی قتل توسط صغیر و مجنون .

### **اشتباه یا جهل به موضوع ۳ حالت دارد .**

الف) اگر جهل یا اشتباه درهویت باشد قتل عمدی می شود . مثال : الف قصد قتل آقای ب را دارد وی را به قتل می رساند فردا متوجه می شود فردی را که به قتل رسانده آقای ج بوده ( برادر ب ) قتل عمد رخ داده ( اشتباه در هویت).

ب) اگر جهل به موضوع باشد قتل شبه عمدی می باشد. در مثال بالا در صورتی قتل عمد است که ب بی گناه باشد ولی اگر شخص ب گناهکار و مهدور الدم باشد (مثلا مرتکب به زنا یا به عنف باشد) قتل شبه عمدی است.

ج) اگر جهل در هدف باشد خطای محض می شود (بدون تقصیر) . اگر جهل در هدف باشد در صورتی شبه عمد می شود که همراه با تقصیر باشد.

### **گفتار دوم : تداخل جنایات چند حالت دارد.**

۱) با یک ضربه بر اثر سرایت موجب قتل یا صدمه بزرگتر شود همین مورد چند شق دارد.

الف) یک ضربه عمدی موجب قتل یا صدمه بزرگتر عمدی شود ، در اینجا مرتکب فقط به قصاص و دیه بزرگتر محکوم می شود

ب) یک ضربه غیر عمدی قتل یا آسیب بزرگتر هم غیرعمدی باشد. در این جا مرتکب به قصاص یا دیه قتل محکوم خواهد شد.

ج) ضربه اول عمدی بر اثر سرایت موجب قتل یا صدمه بزرگتر غیرعمدی گردد. مرتکب علاوه بر قصاص و پرداخت دیه ناشی از ضربه اول به پرداخت دیه صدمه دوم می گردد. ( حالت اول تداخل رخ می دهد حالت دوم تداخل رخ نمی دهد).

- چه تفاوتی بین حالت اول و سوم وجود دارد؟

حالت اول: ضربه اول عمدی صدمه بزرگتر هم عمدی باشد برای مثال فردی چاقویی بر قلب دیگری می زند در اثر سرایت موجب قتل وی می شود. فقط به قصاص محکوم می شود.

حالت سوم: ضربه اول عمدی و صدمه بزرگتر غیر عمدی باشد مثلاً الف بند انگشت ب را قطع می کند و او در اثر سرایت به قتل می رسد چون قطع انگشت نوعاً کشنده نیست و موجب قتل نمی شود پس قتل عمد نیست. حتی اگر آسیب بزرگتر قتل نباشد مثلاً قطع دست باشد باز هم عمدی نیست و غیرعمدی است. و مرتکب به قصاص یک بند انگشت و هم به پرداخت دیه دست محکوم می شود.

۲) **با یک ضربه صدمات متعدد وارد شود و موجب قتل بزه دیده شود.** یک ضربه وارد می کند هم دست هم پای بزه دیده قطع می شود و در نهایت منجر به قتل می شود. در این جا با دو حالت مواجه هستیم الف) اگر تمام عوامل قطع دست و قطع پا در قتل بزه دیده موثر باشد مرتکب به قصاص نفس محکوم می شود اما اگر قطع دست و پا تاثیری در قتل نداشته باشند به پرداخت قصاص و دیه ای که در قتل تاثیر نداشته محوم خواهند شد.

- یک فردی با ضربه غیر عمدی موجب ضربات متعدد در بدن بزه دیده می شود مثل تصادفات رانندگی فرد عابر بر اثر تصادف هم دست هم پا هم کمرش می شکنند در این جا جمع دیات داریم و مرتکب باید دیه تمام این صدمات را بدهد.

- یک جا دیات جمع نمی شوند بلکه با تداخل دیات مواجه هستیم ۴ شرط لازم است:

الف) تمام صدمات با یک ضربه باشد.

ب) تمام صدمات در یک عضو باشد.

ج) تمام صدمات از یک نوع باشد.

د) تمام صدمات به نحوی به هم نزدیک باشند که عرفاً یک صدمه حساب شود (مثل شکست دو استخوان نزدیک به هم)

در این موارد مرتکب به پرداخت یک دیه محکوم می شود.

### ۳) چند ضربه و چند صدمه در نهایت فوت مجنی علیه

مثال: با یک ضربه چاقو دستش را قطع کرده و با یک ضربه پایش را قطع کرده و قتل رخ داده اگر هر کدام از این صدمات تاثیری در قتل نداشته باشد مرتکب به پرداخت قصاص یا دیه ای که تاثیری در قتل نداشته محکوم می شود. کسی با ضربه چاقویی دست کسی و با ضربه دیگر پای وی را قطع می کند و نهایتاً پزشک



قانونی می گوید قطع پا موثر در قتل و قطع دست تاثیری در قتل نداشته بابت قطع پا و قتل به قصاص نفس محکوم می شود و قطع دست که تاثیری در قتل نداشته به قصاص یا دیه قطع دست محکوم می شود.

**۴) اگر چند ضربه موجب چند صدمه بشود و ضربه ها موثر در قتل باشند.**

**الف) اگر این ضربه ها متوالی باشند :** مرتکب فقط به قصاص نفس محکوم می شود مثلا همان موقع قطع دست و قطع پا را انجام داده باشد.

**ب) اگر این ضربه ها متوالی نباشند:** الف روز قبل پای ب را قطع کرده و روز بعد دست های وی را قطع کرده و قتل رخ داده. علاوه بر قصاص نفس به قصاص و دیه آن قسمتی که متوالی و متصل به فوت نبوده محکوم می شود ( قطع پا ، چون قطع پا روز قبل بوده و متوالی نبوده است).

**گفتار سوم : مجازات قصاص دیه و تعزیر**

**الف ( قصاص**

**بند اول ( شرایط عمومی قصاص**

**۱) تساوی در دین**

**۲) فقدان رابطه ابوت**

**۳) تساوی در عقل**

**۱) تساوی در دین: ماده ۳۱۰**

- اگر غیرمسلمان مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان ذمی مستامن معاهد شود قصاص ثابت است اما حالت عکس قصاص ندارد و فقط به **تعزیر** محکوم می شود .
- اگر مسلمان مرتکب قتل ذمی مستامن معاهد گردد قصاص ندارد .
- اگر ذمی مستامن معاهد مرتکب قتل مسلمان شود قصاص ثابت است.
- اگر غیرمسلمان مرتکب قتل غیرمسلمان شود قصاص ثابت است. و مرتکب پیش از اجرای قصاص مسلمان شود قصاص ساقط و به دیه و تعزیر محکوم می شود.

**۲) فقدان رابطه ابوت :**

اگر پدر و جدپدری فرزند خود را به قتل برساند قصاص ندارد اما بالعکس اگر فرزند پدر و جدپدری خود را به قتل برساند قصاص میشود اگر مادری هم فرزند خود را بکشد قصاص می شود.

**۳) تساوی در عقل :** اگر عاقلی مجنون را بکشد قصاص نمی شود( به خاطر عدم تساوی در قتل ) و اگر

یک مجنون عاقلی را به قتل برساند قصاص نمی شود ( به خاطر علل رافع مسئولیت کیفری)

## شرایط اجرای قصاص

- (۱) **تقاضای مجنی علیه یا اولیای دم:** اگر قصاص نفس باشد چون مجنی علیه در قید حیات نیست تقاضای قصاص با اولیای دم است اما قصاص اعضا تقاضا با مجنی علیه است برای اجرای قصاص.
- اگر ولی دم صغیر یا مجنون باشد ولی آنها می تواند تقاضای قصاص یا گذشت یا مصالحه کند و هم چنین می تواند تا زمان بلوغ آنها صبر کند. و اگر مجنون یا صغیر ولی نداشته ولی آنها ولی امر است.
- (۲) **اذن ولی امر:** نباید مانع اجرای قصاص شود م ۴۱۸ مطالعه شود.
- (۳) **اذن مجنی علیه یا اولیای دم:** علاوه بر تقاضا بند ۱ اجرای قصاص نیاز به اذن مجنی علیه یا اولیای هم دارد و در هر لحظه پیش از اجرای قصاص می تواند گذشت کند.
- (۴) **پرداخت تفاضل دیه:** اگر مردی زنی را به قتل برساند در اینجا اولیای دم زن می خواهند مرد را قصاص کنند بایستی اول نصف دیه مرد را پرداخت کنند و بعد او را قصاص کنند.
- (۵) **تعدد اولیای دم و تفاوت تقاضای آنان:** کسی به قتل رسیده ۳ نفر اولیای دم دارد یکی از آنها خواهان عفو یکی قصاص و یکی دیگر تقاضای دیه دارد و باتوجه به اینکه مجازات اصلی قتل قصاص است قصاص اولویت دارد اما قبل از قصاص باید یک سوم دیه را به کسی که خواهان دیه است بدهد و یک سوم دیه را به قاتل پرداخت کند و سپس قصاص اجرا شود.
- ولی اگر هر ۳ اولیای دم خواهان قصاص باشند قصاص اجرا می شود چون تفاوتی در تقاضای آنها وجود ندارد.
- (۶) **تفاوت جنسیت قاتل و مقتول:** دیه زن نصف دیه مرد است. و مازاد بر نصف دیه زن از صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت می شود.
- شرکت در جنایت:** چند حالت دارد که به بررسی آن می پردازیم.
- الف) اگر یک نفر عمدا چند نفر را به قتل برساند قصاص می شود.
- ب) اگر یک نفر چند نفر را به صورت عمد و غیرعمد به قتل برساند بابت قتل عمد به قصاص محکوم می شود و بابت قتل غیرعمد به دیه محکوم می شود.
- ج) اگر چند نفر یک نفر را به قتل برسانند اولیای دم مقتول می تواند آنها را به قصاص محکوم کند اما قبل از این که قصاص کند باید تفاضل دیه را پرداخت کند. مثلا اگر ۳ نفر یک نفر را به قتل برساند اولیای دم می تواند هر ۳ نفر را قصاص کند ولی باید تفاضل دیه را بدهد که تفاضل دیه اندازه ۲ دیه است یک دیه بابت دیه مقتول تهاوتر می شود و دو دیه دیگر که بین ۳ نفر تقسیم می شود و به هر کدام دو سوم دیه می رسد و سپس قصاص انجام می شود.
- **عدم ایذاء جانی** ( م ۴۳۶).

**بند سوم**

**موانع اجرای قصاص**

۱) باردار بودن زن محکوم به قصاص ماده ۴۴۳ و ۴۳۷ (مطالعه گردد)

۲) فرار جانی و عدم دستررسی به وی

نکته : سقوط قصاص ۱. گذشت شاکی ۲) از بین رفتن محل قصاص ( مثلا کسی که مرتکب قتل شده قبل از قصاص فوت کند پی قصاص از بین می رود.) و این مورد در مورد قصاص عضو هم کارایی دارد مثلا کسی عضو دیگری را قطع می کند و خودش آن عضو را ندارد قصاص ساقط و دیه آن مطالبه می شود. استثنا این مبحث تبصره ماده ۳۹۳ است در صورتی که فرد دست راست ندارد دست چپ او و در غیراینصورت پای وی قصاص می شود.

**دیه :**

**بنداول: تعریف و ماهیت و انواع دیه :** نه مجارات است نه میزان خسارت بلکه دیه ماهیت خودش را دارد. دیه به مقدر و غیرمقدر تقسیم می شود که منظور از دیه غیرمقدر ارش است.

**بند دوم : مقادیر دیه :** براساس نوع صدمه متفاوت است دیه جنایات بر نفس دیه کامل است دیه تمام اعضایی که جفت است دیه کامل است مثل دست پا گوش چشم و هرکدام به تنهایی نصف دیه است ولی اعضایی که فرد هستند مثل بینی گردن و.. دارای یک دیه کامل است.

**الف ) براساس نوع صدمه :**

**ب) براساس جنسیت ( ماده ۵۵۰ و ۵۵۱):** دیه زن نصف دیه مرد است و دیه خنثی ملحق به زن دیه زن و دیه خنثی ملحق به مرد دیه مرد و دیه خنثی مشکل به اندازه دیه زن و نصف دیه مرد است. تبصره ماده ۵۵۱ در کلیه جنایات، جنایات بر نفس و عضوکه مجنی علیه آن مرد نیست (زن یا خنثی) است تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تامین خسارات بدنی پرداخت می شود مثلا براساس تصادف رانندگی خانمی به قتل رسیده راننده (آقا) باید نصف دیه زن را بدهد و نصف دیه دیگر را صندوق تامین پرداخت کند.

**ت) براساس دین: (ماده ۵۵۴)** تنها اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی ( مثل ایرانیان زرتشتی ، کلیمی ، مسیحی، یهودی ) به اندازه دیه مسلمان است.

**ث) براساس زمان و مکان ارتکاب جرم ( ماده ۵۵۹ ) :** هرکس در ماه حرام محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه یا در محدوده حرم مکه مرتکب خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی علاوه بر اصل دیه به یک سوم دیه هم محکوم میشود. تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است هم رفتارمرتکب هم فوت هردو در ماه حرام یا مکه باشد سایر زمان ها و مکان ها مشمول تغلیظ دیه نمی باشد.

**دیه یا ارش ، منافع مختلف با قانون مجازات اسلامی.**

منفعت	میزان دیه	مستند قانونی
زوال عقل	دیه کامل	ماده ۶۷۵

۶۸۲	دیه کامل	حس شنوایی
۶۸۸	دیه کامل	حس بینایی
۶۹۳	دیه کامل	حس بویایی
۶۹۵	ارش	حس چشایی
۶۴۷	دیه کامل	صوت و گویایی
۷۰۴	ارش	ضبط ادرار

۷۰۵	دیه کامل	ضبط مدفوع
۷۰۶	ارش	تولیدمثل و بارداری
۷۰۶	ارش	لذت مقاربت جنسی
۷۰۶	دیه کامل	توان مقاربت جنسی
۶۸۰	ارش	بیهوش شدن

### پرداخت کننده دیه :

(۱) **مرتکب** : جنایت عمد و شبه عمد خود مرتکب دیه را پرداخت می کند اما جنایت خطای محض پرداخت کننده دیه عاقله هست در خطای محض در مواردی پرداخت دیه باخود مرتکب است که جنایت با اقرار مرتکب ، نکول وی از سوگند یا قسامه باشد.

(۲) **عاقله ( ماده ۴۵۶، ۴۶۵، ۴۷۱، ۴۶۷):** عاقله در موارد ذیل مکلف به پرداخت نمی باشد:

الف) در جنایاتی که شخص بر خود وارد می کند

ب) در جنایاتی که بر مال وارد می شود

ج) در جنایاتی که با اقرار مرتکب یا نکول وی از سوگند یا قسامه ثابت می شود مگر اینکه عاقله اقرار مرتکب را تصدیق کند.

د) عاقله مکلف به پرداخت جنایات کمتر موضعه نیست.

در ماده ۴۷۱ در خصوص اقلیت های مذهبی اگر جنایت خطای محض باشد خود مرتکب باید پرداخت کند نه عاقله اش.

(۳) **بیت المال (مواد ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۸۷، ۴۲۸، تبصره ماده ۱۵۶):** م ۴۷۳ اگر ماموری در اجرای وظایف قانونی خود عملی انجام دهد و همان عمل موجب فوت شود دیه به عهده بیت المال است. تبصره ماده ۱۵۶ در موارد دفاع مشروع به جز تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود.

نکته مهم

در قتل عمد و شبه عمد و خطای محض اگر مرتکب فرار کند و دستررسی به وی نباشد چند حالت دارد:

الف) اگر قتل عمدی باشد دیه از اموال مرتکب پرداخت می گردد اگر مالی نداشته باشد در قتل عمد از عاقله و اگر عاقله مالی نداشته باشد از بیت المال. در قتل شبه عمد و خطای محض اول مراجعه به اموال مرتکب اگر مالی نداشته مراجعه به بیت المال. ( البته منظور اینجا از خطای محض جایی است که عاقله مسئولیتی ندارد مثل اثبات جنایت با اقرار مرتکب).

۴) اشخاص حقوقی: تبصره ماده ۱۴ اگر رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود.

### بند چهارم: دریافت کنندگان دیه

- ۱) مجنی علیه: در جنایت بر اعضا چون مجنی علیه زنده هست خودش دیه را دریافت می کند.
- ۲) ورثه مقتول: در قتل نفس چون مجنی علیه زنده نیست دریافت کنندگان دیه ورثه مقتول می باشد. نکته: عاقله با ورثه مقتول متفاوت است. عاقله شامل بستگان ذکور نسبی، پدر و مادری، پدری هستند که مسئول پرداخت دیه در قتل خطای محض هستند مثلا اگر کسی پدر پسر مادر برادر خواهر دارد عاقله وی پدر و پسرش می باشند به ترتیب طبقات ارث. ولی ورثه مقتول دریافت کنندگان دیه هستند و شامل پسر و دختر هم می شود.
- ۳) بیت المال: در صورتی که شخص هیچ ورثه ای نداشته باشد دریافت کننده دیه وی بیت المال می شود.
- ۴) امور خیر: ماده ۷۲۲ دذر مورد جنایات بر میت دیه به ارث نمی رسد در صورت مدیون بودن دیه صرف پرداخت بدهی می شود در غیر اینصورت صرف امور خیریه می شود.

### بند پنجم: مهلت پرداخت دیه

- در جرایم عمدی ۱ سال قمری از سال وقوع جنایت
- شبه عمدی ۲ سال قمری از سال وقوع جنایت
- در خطای محض ۳ سال قمری از سال وقوع جنایت

### تعزیر

بنداول: عدم اجرای قصاص علیه مرتکب: ( ۶۱۲ و ۶۱۴) ماده ۶۱۲ در صورتی که مرتکب قتل عمد قصاص به هر علت اجرا نشود به حبس ۳ تا ده سال محکوم می شود. م ۶۱۴ در جرایم مادون قتل که قصاص امکان ندارد به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم می شود.

بند دوم: سقط جنین ( مواد ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۳): جنین قصاص ندارد حتی اگر بعد از حلول روح باشد قتل یعنی سلب حیات شخص زنده پس شامل میت و جنین نمی شود فوت جنین حتی پس از حلول روح

فقط ديه و تعزير دارد منتها اگر ضربه اى در باردارى به مادر وارد شود و زنده به دنيا بيايد اما در اثر ضربه دوران باردارى فوت كند قصاص وارد است.

اگر مادر مرتكب سقط جنين فرزندش شود فقط به پرداخت ديه محكوم مى شود و به مجازات تعزيرى محكوم نخواهد شد.

- م ۶۲۴ طبيب ماماها داروفروش هاو.. اگر وسايل سقط جنين رافراهم كند به حبس از ۲ تا ۵ سال محكوم خواهند شد.

- م ۶۲۳ اشاره به ساير افراد دارد كه طبيب و ماما نباشد به وسيله ادويه موجب سقط جنين شود به حبس از ۶ ماه تا يكسال محكوم مى شود. اين ماده داراى دو قسمت است صدر ماده به مباشرت شخص اشاره دارد و قسمت دوم ماده به معاونت اشاره دارد و مجازاتش ۳ ماه تا ۶ ماه حبس است.

- م ۶۲۲ به واسطه ضرب و اذيت زن حامله موجب سقط جنين وى شود علاوه بر پرداخت ديه و قصاص به حبس هم محكوم مى شود.

**بند سوم جنایات ناشی از تخلفات رانندگی (م ۷۱۴ و ۷۱۸ و ۷۱۹) مواد مطالعه گردد.**

### جلسه پنجم

#### مبحث دوم : جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص

##### گفتار اول : توهين

بنداوول : توهين ساده (م ۶۰۸)      بند دوم : توهين مشدده (م ۶۰۹)

##### گفتار دوم : افتراء

بنداوول : افتراء قولی (م ۶۹۷)      بند دوم: افتراء عملی (م ۶۹۹)

##### گفتار سوم : نشر اکاذيب (م ۶۹۸)

##### گفتار چهارم : آدم ربایى (م ۶۲۱)

**توهين:** ارتكاب يك رفتار خار و ضعيف كننده (موهن) كه الزاما جرم نيست. توهين جرم مطلق است. در توهين صراحت انتساب شرط است. توهين ساده از جرایم قابل گذشت . توهين مشدده از جرایم غيرقابل گذشت است. توهين بايد در حضور شخص باشد و علنی بودن توهين شرط است. ابتدایی و ارتجالی بودن در توهين شرط نيست يعنى ( اگر مثلا الف به ب توهين كرد و ب هم به الف توهين كرد هردو مرتكب جرم توهين شده اند). مخاطب توهين بايد شخص حقیقی باشد و توهين به اشخاص حقوقی جرم نيست.

در توهین مشدده م ۶۰۹ افرادی چون نمایندگان مجلس، قضات، کارمندان دولت، رئیس جمهور وزرا و... جرم باتوجه به (۱) سمت این اشخاص باشد یا (۲) در حال انجام وظیفه یا به سبب آن رخ دهد

جرم در حال انجام وظیفه رخ دهد مثلا کارمند دولت از زمانی که وارد محل کار می شود تا زمانی که خارج می شود در حال انجام وظیفه است و اگر توهین کند توهین مشدده می باشد.

دوهمسایه یک نفر کارمند دولت است و دیگری کارمند دولت نیست اگر توهین بر سر مسائل شخصی باشد توهین ساده است اما اگر توهین به سبب وظیفه باشد توهین مشدده می شود.

**افترا:** نسبت اعمال مجرمانه دادن به دیگری ( مثلا شما مرتکب کلاهبرداری شده ای یا سرقت یا قتل و...). در افترا هم صراحت انتساب شرط است. توهین از جمله جرایمی است که نیاز به سونیت خاص ندارد افترا قولی و عملی قابل گذشت است. افترا می تواند به صورت کتبی و شفاهی باشد.

در افترا ۳ شرط لازم است . (۱) انتساب جرم به دیگری (۲) صراحت انتساب جرم به دیگری (۳) ناتوانی در صحت انتساب جرم به دیگری

افترا قولی: سوءنیت خاص شرط نیست.

افترا عملی : از جرایم مقید به نتیجه است. سوءنیت خاص شرط است. اعمالی چون گذاردن یا مخفی نمودن مثل گذاردن مواد مخدر در ماشین شخصی و در اثر این عمل شخص تعقیب گردد و پس از آن منع تعقیب یا براءت صادر گردد تا آن طرف مشمول افترا عملی قرار گیرد .

**نشر اکاذیب:** انتشار یک دروغ است و به صورت کتبی است . نشر اکاذیب از جرایم مطلق است. نشر اکاذیب به صورت صریح یا تلویحی است. در این جرم سوءنیت خاص شرط است. این جرم قابل گذشت است.

اگر شخصی به قصد تشویش اذهان عمومی وزیری را دارای همسر دوم معرفی کند ؟ نشر اکاذیب است.

اگر در روزنامه رفتار مجرمانه به دیگری نسبت دادن عنوان مجرمانه اش چیست ؟ افتراست. (چون در روزنامه است فکر نکنیم که نشر اکاذیب است)

نشر اکاذیب ماده ۶۹۸ با نشر اکاذیب ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه ای (۷۴۶) تفاوت این دو در وسایل ارتکاب جرم است. ماده ۱۸ اگر به وسیله سامانه رایانه ای اکاذیبی منتشر کند ولی ماده ۶۹۸ به وسیله نامه شکواییه مراسلات جرم رخ می دهد.

### **گفتار چهارم : آدم ربایی (م ۶۲۱)**

ربودن انسان (انتقال انسان بدون رضایت وی از یک مکان به مکان دیگر). قصد مرتکب مهم نیست که به قصد مطالبه وجه یا مال ، انتقام باشد .

مثال: آقای خانمی را بخاطر این که طلاهای بسیار دارد می رباید سوالی مطرح می شود آیا این جرم سرقت است یا آدم ربایی؟ جرم آدم ربایی محقق گشته حتی اگر قصد مطالبه وجه داشته باشد. اما اگر این شخص را به مکان دیگر ببرد و طلاهای وی را بر باید هم مرتکب آدم ربایی شده هم سرقت (از باب تعدد مادی) به عبارتی تا زمانی که طلاهای وی را نبروده فقط جرم آدم ربایی محقق است.

- هر جا که بزه دیده متعدد است با تعدد نتیجه مواجهیم (همان تعدد مادی). یعنی در تعدد نتیجه همان مقررات تعدد مادی رعایت می شود. (سوال پارسال وکالت)
- اگر شخصی با رضایت دیگری با او باشد آدم ربایی محقق نمی شود. اما اگر شخصی با رضایت خود سوار بر خودرو شود برای رفتن به مقصدی، اما در بین راه راننده متوجه پول زیاد مسافر شود تغییر مسیر دهد، در اینجا آدم ربایی محقق گشته چون در اینجا مسافر برای تغییر مسیر رضایت ندارد.

**آدم ربایی مشدده:** ذیل ماده ۶۲۱ مجازات ۵ تا ۱۵ سال حبس را دارد دارای چند شرط است.

الف) سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی باشد.

ب) ربودن توسط وسیله نقلیه باشد.

ج) به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود.

مثلا خانمی پسر بچه ای را از در مدرسه بغل می کند و دو کوچه پایین تر سوار بر ماشینش می کند آدم ربایی مشدده محقق گشته و (فرقی نمی کند چه از ابتدا وی را سوار بر خودرو کند چه از اواسط ربودن با وسیله نقلیه محقق می گردد).

اگر یکی از این ۳ حالت باشد آدم ربایی مشدده است. و به حداکثر جرم ۱۵ سال محکوم می شود.

## جزا اختصاصی ۲

**مبحث اول: کلاهبرداری**      **مبحث دوم: خیانت در امانت**

**مبحث سوم: سرقت**      **مبحث چهارم: صدور چک پرداخت نشدنی**

**مبحث اول: کلاهبرداری:** عنصر قانونی جرم کلاهبرداری ماده ۱ قانون تشدید است. کلاهبرداری از جرایم مرکب است. کلاهبرداری با فعل + رخ می دهد و با ترک فعل محقق نمی شود.

در کلاهبرداری ۳ شرط لازم است (۱) توسل به وسایل متقلبانه (۲) فریب دیگری (۳) بردن مال

- کلاهبرداری به صرف دروغ محقق نمی شود. مثلا اگر بگوید من قاضی دادگاهم پول بدهید تا فلان کار را کنم کلاهبرداری نیست.



توسل به وسایل متقلبانه باید مقدم بر بردن مال باشد پس اگر اول مال را ببرد بعد به وسایل متقلبانه متوسل شود کلاهبرداری نیست . مثلا کسی در پمپ بنزین اول بنزین زده بعد برای اینکه پول ندهد خودش را فرزند شخص معروفی جا میزند کلاهبرداری نیست و عنوان دیگری دارد.

- مثالی برای سند خالی از وجه که موجب تحقق کلاهبرداری می شود. موجر از مستاجر پول اجاره را میگیرد ولی رسید دریافت پول را به مستاجر نمی دهد مجددا با همان رسید از مستاجر اجاره را میگیرد .

**بنداول : عنصرمادی**

**الف) رفتار مرتکب (ب) شرایط و اوضاع احوال لازم برای تحقق جرم کلاهبرداری**

**شرط اول : متقلبانه بودن وسایل یا عملیات مورد استفاده کلاهبرداری :**

وسایل متقلبانه مثل : شخصی با جعل کارت قضایی ( کار متقلبانه ای انجام داده ) خود را قاضی دادگاه معرفی می کند و با فریب طرف پولی از وی می گیرد ( تا رای به نفعت بدهم ).

مانور متقلبانه مثل: مکانی را مجهز به وسایل کرده سردری به نام بانک یا موسسه زده و تعدادی کامپیوتر و افرادی در محل گذاشته و با فریب مردم از این طریق پول از مردم میگیرد.

**۱) کلاهبرداری ساده :** برخلاف کلاهبرداری مشدده است مثلا طرف کارمند دولت نباشد . مجازات

کلاهبرداری ساده حبس از یک تا ۷ سال است پرداخت جزای نقدی معادل مال برده شده.

**۲) کلاهبرداری مشدده :** دارای ۳ شرط است.

**الف ) مرتکب برخلاف واقع سمت مجعول از نهادهای دولتی اخذ می کند .** مثلا کارتی جعل می کند و می گوید من کارمند فلان وزارتخانه هستم.

**ب) کارمند دولت باشد.**

**ج) کلاهبرداری از طریق وسایل ارتباط جمعی ، عامه ( مثل روزنامه ، رادیو، تلویزیون و.... ) باشد.**

مجازات کلاهبرداری مشدده ۱ تا ده سال حبس است و انفصال ابد از خدمات دولتی پرداخت جزای نقدی و دریافت معادل پولی که گرفته.

- مجازات شروع به کلاهبرداری : پرداخت جزای نقدی نداریم چون شخص پولی اخذ نکرده است.

نص ماده ۱ قانون تشدید : بردن مال شرط است اگر کسی کلاهبرداری کند و چک دهد و نتواند چک را وصول کند به صرف دادن چک کلاهبرداری محقق نشده است.

**شرط دوم : اغفال قربانی**

شخص می داند طرف کلاهبردار است و می خواهد پول وی را بگیرد در اینجا اغفال قربانی رخ نداده و کلاهبرداری محقق نمی شود.

**شرط سوم: متعلق مال برده شده به غیر**

اگر کلاهبردار مال خودش را ببرد کلاهبرداری نیست.

**(ج) نتیجه حاصل: دو شرط لازم است**

**(۱) انتفاع کلاهبردار برای خود یا فرد مورد نظر وی**

**(۲) ورود ضرر به قربانی**

مثال: کشاورزی صادر کننده برنج است و به او می گویند قرار است شخصی برنج را با نصف قیمت وارد بازار کند آیا کلاهبرداری محقق شده؟ هرچند از وسایل متقلبانه استفاده کرده و اغفال شخص رخ داده اما کلاهبرداری محقق نشده چون انتفاع کلاهبردار رخ نداده.

اما اگر خود کلاهبردار نفع نبرد اما شخص مورد نظر کلاهبردار نفع ببرد عمده فروش برنج (کشاورز)، برنج هایش را به نصف قیمت به برادر (فریب دهنده) که خریدار بوده فروخته باشد. این گونه کشاورز را فریب داده که قرار است برنج وارد کشور شود و تو ضرر میکنی و برنج هایت روی دست می ماند و به نصف قیمت از او می خرد. پس نتیجه حاصل شده انتفاع کلاهبردار و ورود ضرر به قربانی.

- نکته: اما در خیانت در امانت فقط یک شرط ورود ضرر به قربانی شرط است.

- در کلاهبرداری رابطه سببیت مستقیم شرط است. ازدواج و استخدامی اینها مواردی هستند که رابطه سببیت را قطع می کند.

مثلا: شخصی خود را دکترای حقوق و وکیل دادگاه معرفی می کند و با دختری ازدواج می کند پدر به دامادش پولی می دهد کلاهبرداری محقق نشده چون این پول را بخاطر ازدواج گرفته پس در اینجا ازدواج رابطه سببیت را از بین می برد.

شخصی مدرک کارشناسی حقوق جعل می کند و در شرکتی به عنوان نماینده حقوقی استخدام می شود و حقوق می گیرد اینجا کلاهبرداری نیست (رابطه مستقیم اغفال دیگری و بردن مالش از بین رفته است). چون حقوقش را به خاطر کاری که انجام می دهد دریافت می کند.

**بند دوم: عنصر معنوی**

**(۱) سوءنیت عام: (علم و اراده)** علم و آگاهی دارد مالی که میگیرد مال خودش نیست اراده دارد خواب و بیهوش و ... نیست اراده زیر بنای عنصر معنوی و ارتکاب جرم است.

۲) سوءنیت خاص: قصد اضرار به دیگری و منتفع نمودن شرط است.

## مبحث دوم: خیانت در امانت

بند اول: رفتار مرتکب

۱) استعمال نمودن: اگر با استعمال اصل مال باقی بمونه یا نمونه خیانت در امانت محقق شده مثلا شخصی ماشینش را به دیگری می دهد و وی از ماشین اش استفاده می کند هرچند با استعمال نمودن اصل مال باقی مانده...

۲) اتلاف: اتلاف کلی: مثلا از بین رفتن کل کتاب توسط امین - اتلاف جزئی از بین رفتن بخشی از کتابی که به امین امانت داده شده است.

۳) مفقود کردن: گم کردن مال امانی

۴) تصاحب: شخصی ماشین اش را به امین داده و به امین مراجعه می کند ولی وی ماشین اش را تحویل نمی دهد تصاحب رخ داده ( نوعی رفتار مالکانه داشتن با مال مورد امانی است).

ب) شرایط و اوضاع احوال لازم برای تحقق جرم:

۱) موضوع جرم باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد. عین مال مثل کتاب و ماشین و... که به امانت می گذارد وسایل تحصیل مال مثل چک و سفته باشد

۲) سپرده شدن مال به امین به یکی از طرق قانونی یا به شرط استرداد یا به مصرف معین رساندن: سپرده شدن مال به امین با در دسترس قراردادن تفاوت دارد مثلا مستخدم هتل یک مالی را از اتاق مسافر برمی دارد در اینجا سرقت محقق شده چون مالی بهش سپرده نشده هرچند در دسترس بوده

مثال ۲) مسافر به بیرون از مسافرخانه می رود و کیف خود را به پذیرش می سپارد وقتی برمیگردد پذیرش می گوید کیفی به من ندادی اینجا خیانت در امانت محقق شدخه چون عنصر سپرده شدن وجود دارد.

- اگر کسی مالی را به عنف و اکراه از دیگری بگیرد سپرده شدن به طور قانونی محقق نشده چون شخص باید با رضایت مال خود را به دیگری بسپارد.

- کسی که مالک مال نیست مالی را سرقت کرده و به امین سپرده و به امین مراجعه می کند و امین مال را نمی دهد خیانت در امانت محقق نشده است.

- مال گمشده را پیدا کند و آن را به مالک ندهد خیانت در امانت نیست چون مالی به امین سپرده نشده است.

- در عقود بیع و قرض خیانت در امانت نداریم چون در قرض عین مال پس گرفته نمی شود مثل مال پس گرفته می شود پس خیانت در امانت در قرض منتفی است چون به مالکیت قرض گیرنده در می آید و در بیع هم به مالکیت خریدار در می آید.

- شخص ماشین اش را به دیگری می دهد و می گوید بفروش و پولش را به من بده امین پول حاصل از فروش خودرو را پس نمی دهد خیانت در امانت محقق شده . اما اگر بگوید پول خودرو را صرف مدرسه سازی کن اما پولش را صرف کار دیگری کند پس در اینجا هم خیانت در امانت محقق گشته.

**۳) تعلق مال به غیر :** کسی به کیش رفته و از بنگاه ماشین به مدت چندروز ، خودرویی اجاره می کند و پس از چند ساعت استفاده خودرو را به بنگاه تحویل می دهد و مجدد مراجعه میکند برای دریافت خودرو ولی بنگاه دار ماشین را نمی دهد پس در اینجا خیانت در امانت منتفی است چون بنگاه دار مالک ماشین است.

**ج) نتیجه :** برخلاف کلاهبرداری که انتفاع و ورود ضرر شرط است در خیانت در امانت فقط ورود ضرر به قربانی شرط است.

**بند دوم ( عنصر معنوی : الف)** سوء نیت عام علم و آگاهی شرط است .ب) در سوءنیت خاص قصد ورود ضرر به قربانی شرط است.

### **سرقت**

**بنداول : تعریف :** انتقال مال از یک محل به محل دیگر سرقت فقط در خصوص اموال منقول هست برخلاف خیانت در امانت که اموال منقول و غیرمنقول ( حتی غیرمنقول حکمی ) را شامل می شود.تعریف کلی سرقت ربودن مال متعلق به دیگرست.

**۱) ربودن :** ربودن به چند صورت است ۱) در صورت عدم اطلاع مالک ( هنگام شب ) ۲) ربودن مال به عنف و اکراه ( با اسلحه فرد را تهدید کرده و ماشینش را به سرقت برده.) ۳) مال را از شخص محجور می رباید .

**۲) مال :** آن چیزی که قابل تقویم و مبادله با پول باشد را مال گویند. مال باید شرعا مالیت داشته باشد پس سرقت مشروبات الکی چیزهای نجس با توجه به این که مشروع نیستند سرقت نیست.

- ربایش انسان موجب تحقق جرم ادم ربایی است و همانطور که قبلا گفته ایم اگر اموال وی را هم ببرد سرقت اموال رخ داده است.

- آیا ربودن کلیه از بانک کلیه موجب تحقق جرم سرقت است ؟ بله سرقت اعضای بدن محقق گشته . اما اگر کسی بیاید شکم کسی را پاره کند و کلیه اش را در بیاورد در اینجا جرم سرقت نیست بلکه جرم علیه تمامیت جسمانی است.

- ربودن مواد خوراکی هم جرم سرقت است.
  - ربایش آب برق گاز تلفن (مخابرات) طبق قانون جدید مشمول سرقت نیست مشمول قانون خاص جرم سوء استفاده کننده کنندگان از آب برق و...
  - اگر کسی بطری اب معدنی را برباید مرتکب جرم سرقت شده است.
- ۳) تعلق مال به غیر:** اگر کسی مال خود را به دیگری امانت داده باشد و هنگام تحویل مالش را پس ندهد و او مال را از امین بردارد سرقت نیست چون مال خودش را ربوده است. اما اگر مالک تقاص کند بخاطر اینکه مثلا امین خودرویش را پس نمی دهد خودروی دیگر امین را برباید اینجا جرم سرقت محقق گشته .

### **بند دوم : شرایط سرقت حدی : ۲ نکته دارد حرز و قابل گذشت بودن**

- (۱) حرز: مال باید در حرز باشد ماده ۲۶۹ مکان متناسبی است که مال عرفا از دستبرد محفوظ می ماند.  
مثل گاو صندوق
  - (۲) سارق هتک حرز کند
  - (۳) سارق مال را از حرز خارج کند
  - (۴) هتک حرز و سرقت هر دو مخفیانه باشد. ( مثلا سرقت از بانک یرقت حدی نیست چون مخفیانه انجام نشده در روز روشن است )
- سرقت حدی از جمله جرایم مرکب است . سرقتی حدی است سارق هم باید هتک حرز کند و هم باید مال را خارج کند پس اگر این عمل توسط دو فرد متفاوت باشد سرقت حدی نیست.
- قابل گذشت بودن جرم سرقت: تا قبل از اثبات حق الناسی است و بعد از اثبات حق اللهی می شود.

- سرقت در صورتی دارای شرایط زیر باشد سرقت حدی است. م ۲۶۸
- (۱) صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند چون حق الناس و قابل گذشت است. بنابراین اگر شکایت نکند سرقت ثابت نمی شود. ( اگر تا قبل از اثبات سرقت شکایت خود را پس بگیرد حد اجرا نخواهد شد)
- (۲) صاحب مال قبل از اثبات سارق را نبخشد .
- (۳) مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد. ( اگر تحت ید مالک قرار گیرد سرقت حدی ثابت نمی شود. )
- (۴) مال مسروق قبل از اثبات سرقت به ملکیت سارق در نیاید.
- (۵) مال مسروق شرعا مالیت داشته باشد.
- (۶) سارق پدر یا جد پدر نباشد( پدر مشروع و طبیعی هم شامل می شود. )

۷) ارزش مال مسروق معادل ۴,۵ نخود طلا باشد مثلا اگر دونفر باشند باید ارزش اخراج آنها به ۹ نخود طلا برسد.

۸) سرقت در زمان قحطی نباشد (اگر در زمان قحطی باشد سرقت حدی نیست)

۹) اگر کسی مال مسروقه یا غصبی را سرقت کند سرقت حدی نیست بلکه تعزیری است. (اگر محل نگه داری مال غصبی باشد نسبت به کسانی که حق دستررسی دارند حرز محسوب نمی شود ما نسبت به شخص ثالث سرقت حدی است. ماده ۲۶۸ کامل خوانده شود.

### بند سوم : سرقت های خاص

سرقت تعزیری به دو صورت است :

**سرقت مشدده م ۶۵۱:** مقرون به ۵ شرط است (۱) سرقت در شب (۲) سارقین دو نفر یا بیشتر باشند (۳) یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح (سلاحه واقعی باشد) ظاهر یا مخفی (مثلا اسلحه تو جیبش) باشند.

(۴) حرز را شکسته یا از دیوار بالا رفته یا از کلید ساختگی استفاده کرده خودش را مامور معرفی کرده یا لباس مامورین دولتی را پوشیده و ... (۵) در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد.

- اگر این ۵ شرط را داشته باشد مطابق ماده ۶۵۱ بیشترین مجازات ۲۰ تا ۲۵ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق  
- اگر ۳ شرط را داشته باشد (شب بودن ، ۲ نفر یا بیشتر، حامل سلاح بودن.) مشمول ماده ۶۵۴ شده و حبس ۵ تا ۱۵ سال را دارد.

- شرط ۵ در م ۶۵۱ به عنوان مجازات مجزا در م ۶۵۲ پیش بینی شده. هرگاه سارق سرقت مقرون به آزار مرتکب شود یا سارق مسلح باشد (مثلا سارق اسلحه قلابی دارد ولی همراه با آزار بوده پس مشمول ماده ۶۵۲ شده و حبس ۳ ماه تا ده سال را دارد.

- راهزنی در م ۶۵۳ پیش بینی شده است که ۳ تا ۱۵ سال حبس دارد.

ماده ۶۵۶ شماره ۵ سرقت مستخدم از مال مخدوم سرقت رخ می دهد و اگر عنصر سپرده شدن محرز شود خیانت در امانت می شود ( که قبلا توضیح دادیم)

ماده ۶۵۶ بند ۶ اگر اداره کننده هتل مال مسافر را ببرد نسبت به اموالی که در دسترس آنها است ( این مورد با سپرده شدن متفاوت است) پس سرقت محقق گشته.

- م ۶۵۷ سرقت از طریق جیب بری و کیف زنی را گفته که به حبس ۱ تا ۵ سال محکوم می گیرد
- شرط تحقق ماده ۶۵۹ این است که وسایل و متعلقات متعلق به دولت ایجاد یا نصب شده باشند تا مشمول سرقت قرار گیرد ( اگر این اموال در انبار یا.. باشد مشمول ماده ۶۵۹ قرار نمیگیرند)
- ماده ۶۶۰ به وسیله ماده ۶ استفاده کنندگان غیرمجاز از اب برق گازو... منسوخ گردیده.

- ماده ۶۶۵ سرقت در صورتی محقق میشود که مرتکب قصد محروم کردن دائمی بزه دیده را داشته باشد اگر محروم کردن به صورت موقت باشد سرقت نیست ولی جرم است.

**سرقت ساده م ۶۶۱:** اگر سرقت مشمول موارد بالا نباشد ۳ ماه تا دو سال حبس دارد و تا ۷۴ ضربه شلاق.

**بند چهارم: مداخله در اموال مسروقه: ماده ۶۶۲** اگر شخص ثالث (غیراز سارق) مالی را تحصیل یا مخفی یا قبول کند یا مورد معامله قرار دهد به جرم مداخله در اموال مسروقه محکوم می شود. اگر خود سارق مال را مخفی کند مرتکب یک جرم فقط سرقت گشته اما اگر سارق علاوه بر سرقت مال را مورد معامله قرار دهد مرتکب دو جرم شده است.

- ذیل ماده اگر متهم معامله اموال مسروقه را حرفه (شغل) خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات محکوم می شود. مثلا مداخله در اموال مسروقه با یکبار انجام دادن محقق می شود اما اگر حرفه وی باشد به حداکثر مجازات محکوم می گردد.

### صدور چک پرداخت نشدنی

بند اول جهات کیفری چک

- ۱) دارا نبودن وجه چک یا عدم کفایت آن در تاریخ مندرج در چک
- ۲) کشیدن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده است.
- ۳) دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک
- ۴) تنظیم چک به شکل نادرست
- ۵) **صدور چک از حساب مسدود** (در حکم چک بلا محل است.) مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می شود و قابل تعلیق هم نیست اما در اصلاحیه صدور چک سال ۱۳۹۷ تبصره ۳ ماده ۶ دریافت دسته چک غیرمتناسب با اوضاع و احوال اعم از اینکه برای خود یا دیگری باشد ۳ سال از صدور دسته چک محروم می گردد.

بند دوم: مواردی که صادر کننده چک قابل تعقیب کیفری نیست. (دارای ابعاد حقوقی است).

- ۱) چک سفید امضا
- ۲) چک تضمینی و شرطی
- ۳) اگر چک بابت معامله یا تعهدی باشد و در متن چک قید شده باشد.
- ۴) چک مشروط و تضمینی اعم از آن که در متن چک قید شده باشد یا نباشد.
- ۵) در صورتی که چک بدون تاریخ صادر شده باشد **چک وعده دار**. (مثلا امروز چک را صادر می کند و تاریخ چک (حصول چک) را چند روز بعد می زند)

جزا اختصاصی ۳

## مبحث اول : جرایم علیه امنیت

**گفتار اول : محاربه :** ماده ۲۷۹ کشیدن سلاح به قصد جان مال ناموس، مقید به نتیجه است ، موجب ناامنی گردد جنبه عمومی داشته باشد . پس اگر موجب سلب امنیت نشود محاربه نیست .

**گفتار دوم: افساد فی الارض:** ماده ۲۸۶ سه شرط لازم دارد هم معیار ذهنی ملاک است هم معیار عینی

(۱) رفتار مرتکب به صورت گسترده باشد( مثلا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب ، احراق تخریب و... به صورت گسترده )

(۲) موجب اخلال شدید یا وسیع گردد ( مثلا اخلال در نظم عمومی)

(۳) مرتکب قصد اخلال گسترده هم داشته باشد.

- مجازات معاون و مباشر در افساد فی الارض یکسان است. و هردو مفسد فی الارض و به اعدام محکوم می شوند.

**گفتار سوم : بغی :** ماده ۲۸۷ گروهی بیش از دو نفر براساس نظام جمهوری اسلامی قیام مسلحانه کند ، از جرایم مطلق است . در صورت استفاده از سلاح به مجازات اعدام محکوم می شوند.

## جعل و استفاده از سند مجعول

### گفتار اول:

(۱) **رفتار فیزیکی در جعل مادی :** طبق ماده ۵۲۳ ساختن نوشته یا سند ( سند باید روی کاغذ یا نوشته باشد ) ، به کار بردن مهر دیگری ، ساخت مهر دیگری ، یک نفر مهر و کیلی را ساخته و دیگری استفاده کرده هردو مرتکب جرم جعل شده اند. استفاده از مهر متعلق به دبگری جعل است و استفاده از سند مجعول نمی باشد.

- خراشیدن : با وسیله ای چون تیغ اسم حسین حرف ی را کم کند و تبدیل به حسن کند .

- تراشیدن : تراش کل کلمه (مثلا تیغ) حذف اسم شخصی از وصیت نامه.

- قلم بردن: با قلم بخشی از سند را سیاه کردن

- الحاق : اضافه کردن کلمه ای در متنی ( یک سند است)

- الصاق: یک متن را به متن دیگر چسباندن ( دو سند است)

- اثبات: یعنی قسمت باطل شدن را از روی سند پاک کنیم و مجدد سند را احیا کنیم.

- سیاه کردن : با مواردی عین جوهر محقق می شود.

- نقدیم یا تاخیر تاریخ سند از موارد جعل است.

این موارد باید به قصد تقلب باشد تا جرم جعل محقق گردد. مثلا یک کارگردان گواهی نامه جعلی برای بازیگر می سازد برای پر کردن فیلم چون قصد تقلب نداشته جرم جعل محقق نشده.



**۲) رفتار فیزیکی در جعل مفادی یا معنوی:** که در ماده ۵۳۴ اشاره شده توسط مامورین دولتی یا مراجع قضایی محقق می گردد مثلا منشی دادگاه احضارات متهم را قبول ندارم را قبول دارم می نویسد یا کارمند دفترخونه به جای عقد اجاره می نویسد بیع امری صحیصی را باطل یا برعکس امر اقرار نشده را اقرار شده و....

- **شرایط و اوضاع و احوال:** جعل در صورتی محقق می شود که همان سند جعلی نباشد مثلا مدرک کارشناسی جعلی است و کلمه ارشد را به آن الحاق می کند جعل رخ نداده جعل فقط در سند اصلی محقق می گردد.

- سند جعلی باید یک دروغی را راجع به خود بگوید مثلا کسی مدرک کارشناسی حقوق جعل می کند تا در آزمون وکالت شرکت کند دروغ این سند این است که می گوید صادره از دانشگاه هستم در صورتی که این گونه نیست و سند جعلی است.

**۳) نتیجه:** دکتر میرمحمد صادقی جعل مقید به نتیجه است و بعضی دیگر جعل را جرم مطلق می دانند ولی هردو متفق قول هستند که ضرر اعم از اینکه بالفعل باشد یا بالقوه برای تحقق جرم جعل کفایت می کند.

- لازم است هویت کسی که جعل می شود مشخص باشد یا خیر؟

میرمحمد می گوید چه هویت شخص مشخص باشد چه نباشد ( وجود خارجی داشتن یا نداشتن شخص مهم نیست) جرم جعل محقق شده. ( در آزمون قضاوت و مرکز وکلا نظر میر محمد ملاکه)

دیوان عالی کشور می گوید کسی که اسم به نام او جعل می گردد باید مشخص باشد. ( نظر دیوان برای کانون ملاکه)

ضرر بالقوه و بالفعل ( بااستفاده محقق می گردد) باشد مثلا کسی اسکناس ۱۰۰۰ تومنی به رنگ قرمز درست می کند اینجا ضرر بالقوه وجود ندارد پس جعل محقق نشده است. ( چون ۱۰۰ تومنی قرمز نداریم تا جعل آن جرم باشد)

### **گفتار دوم: استفاده از سند مجعول**

جرم مطلق است به صرف ارائه محقق می گردد مثلا راننده گواهی نامه جعلی خود را به پلیس می دهد و پلیس بلافاصله متوجه جعلی بودنش می شود هرچند فقط شخص ارائه کرده و استفاده نکرده ولی بازهم استفاده از سند مجعول محقق شده.

**مبحث سوم**

**گفتار اول: ساختن سکه قلب :** سکه ای را که وجود ندارد می سازد . سکه را میسازد که هم طلا هم غیر طلا را شامل می شود. اگر یک سکه ۲۵ تومنی را مخدوش کند مرتکب جرم نشده چون تخدیش مخصوص سکه طلا و نقره است ولی اگر همین سکه را بسازد مرتکب جرم شده.

**بند اول: ساختن سکه قلبی طلا و نقره :** م ۵۱۸ ( مورد معامله واقع شود و رواج نسبی داشتن )

**بند دوم : ساختن سکه تقلب غیر از طلا و نقره :** م ۵۲۰ ( پول رایج کشور باشد).

**گفتار دوم : مخدوش کردن سکه طلا و نقره :** م ۵۱۹ سکه ای را که وجود دارد تخدیش می کند مثلا مقداری از طلای آن سکه را کم می کند و از این طریق سود می برد.

مواد از رو کتابچه قانون خوانده شود.

**رشا و ارتشا :** مطابق ماده ۵۹۲ رشا کسی که رشوه می دهد مرتشی کارمند دولت است که پول را می گیرد تا کاری انجام دهد. جرم مطلق است ( چه کار انجام شود چه نشود)

**الف) رفتار مرتکب :** کاری که کارمند انجام می دهد یا مربوط به وظیفه وی است یا در رابطه با کاری است که در آن سازمان انجام می شود. مثلا کارمند اداری می گوید من کار تو را در امور مالی انجام می دهم. رشا و ارتشا محقق گشته ولی اگر کارمند وزارت نفت بگوید من در وزارت سمت کار تو را انجام میدهم درست است که توسط مامور دولت است اما چون در رابطه با وظیفه وی نیست رشا و ارتشا محقق نشده است.

**ب) شرایط اوضاع و احوال لازم:**

شخصی هدیه ای به کارمند دولت می دهد و چند روز بعد می آید که کار مرا انجام بده رشا و ارتشا محقق نشده چون دادن هدیه برای انجام کار نبوده است.

تبصره ماده ۵۹۲ اگر رشوه دهنده با دادن رشوه مضطر باشد یا پرداخت رشوه را گزارش کند از مجازات معاف می گردد.

**ج) نتیجه :** جرم مطلق است به صرف دادن سند و وجه جرم محقق گشته حتی اگر چک وصول نگردد. ( بلامحل بودن چک).

- تبانی و توافق قبلی لازم ست.

مجازات راشی ثابت است اما مجازات مرتشی طبق ماده ۳ قانون تشدید به میزان وجه متفاوت است.

**جلسه ششم:**

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹/۳/۲۲ به تصویب رسید در ۱۵ ماده که حاوی اصلاحات و الحاقات از قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ و بخشی از قانون تعزیرات است.

اصلاحیات را با رنگ سبز و نسخ شده ها را با رنگ قرمز می نویسم دوستانی که جزوه را پیرینت میکنند با خودکاریا مازیک رنگی هایلایت کنید تا متوجه تفاوت و تغییرات شوید.

(۱) مجازات های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح ذیل کاهش یا تبدیل می شود.

**الف) مجازات حبس موضوع ماده ۶۱۴ قانون به استثنای تبصره آن به حبس درجه ۶ محکوم می شود.**

ماده (۶۱۴) هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد (به حبس از ۲ تا ۵ سال درجه ۵ منسوخ شده) (حبس درجه ۶ اصلاحیه) محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود.

تبصره: در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به ۳ ماه تا یکسال حبس درجه ۶ محکوم خواهد شد.

**ب) مجازات حبس موضوع ماده ۶۲۱ قانون در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه**

**۴ و در غیراینصورت به حبس درجه ۵ تبدیل می شود.**

ماده (۶۲۱) هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند. (به حبس از ۵ تا ۱۵ سال <این قسمت نسخ شده >) (در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه ۴ در غیر اینصورت به حبس درجه ۵ <این قسمت اصلاح گشته >) محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد.

**پ) تبصره ماده ۶۲۱ قانون نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب**

**۱۳۹۲ عمل می شود.**

(تبصره: مجازات شروع به ربودن ۳ تا ۵ سال حبس است.) این تبصره منسوخ گشته.

**ت) مجازات حبس موضوع ۶۷۷ قانون در صورتی که میزان خسارت ۱۰۰ میلیون جزای نقدی تا ۲ برابر معادل خسارت وارده:**

ماده ۶۷۷) هرکس عمدا اشیا منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب کند یا به هر نحو کلا یا بعضا تلف نماید و یا از کار اندازد (به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال مجازات درجه ۵ <این مجازات نسخ شده>) (در صورتی که میزان خسارت وارده صدمیلیون ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا ۲ برابر معادل وارده و در صورتی که میزان خسارت وارده بیش از ۱۰۰ میلیون ریال باشد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال <اصلاحیه>) محکوم خواهد شد.

**ث) مجازات حبس موضوع ماده ۶۸۴ قانون به حبس درجه ۶**

ماده ۶۸۴) هرکس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تزییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد (به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال حبس درجه ۵ منسوخ گشته) (به حبس درجه ۶ اصلاحیه) و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود.

**ج) مجازات موضوع مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ قانون به جزای نقدی درجه شش**

ماده ۶۰۸) توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنان چه موجب حد قذف نباشد (به مجازات تا ۷۴ ضربه شلاق و یا ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی) (به جزای نقدی درجه ۶) محکوم خواهد شد. شلاق را نسخ کرده و جزای نقدی را افزایش داده.

ماده ۶۹۷) هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحا نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت اسناد را ثابت کند جز در مواردی که موجب حد است (۱ ماه تا ۱ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) (به جزای نقدی درجه ۶) محکوم می شود.

**۲) یک تبصره به شرح زیر به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات**

(تبصره) چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند عدم رعایت مفاد ایتن تبصره موجب مجازات انتظامی درجه ۴ می باشد.

**۳) یک تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره ۶ به ماده ۱۹ ق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق شد.**

تبصره ۶) تمام حبس های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می شود.

۴) صدر ماده ۲۳ ق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح

ماده ۲۳) دادگاه می تواند فردی را که به حد قصاص یا مجازات تعزیری (درجه ۱ تا ۶ نسخ شده) محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی ، خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی محکوم کند.

۵) ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح شد .

ماده ۲۸) کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین ( از جمله مجازات نقدی ) ( از تاریخ تصویب آنها در مورد تمام جرائم و تخلفات از جمله مجازات نقدی ) به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی هر ۳ سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می شود لازم الاجرا می گردد.

۶) ماده ۳۷ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود .

ماده ۳۷) در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند.

الف) تقلیل مجازات حبس به میزان ۱ تا ۳ درجه در مجازات های درجه ۴ و بالاتر.

ب) تقلیل مجازات حبس درجه ۵ و درجه ۶ به میزان ۱ تا ۲ درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه ۷ حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه

- تقلیل یا تبدیل مجازات حبس ۴ حال دارد:

حالت اول: مجازات حبس تعزیری درجه ۱ تا ۴ : تقلیل به میزان ۱ تا ۳ درجه

حالت دوم: مجازات حبس تعزیری درجه ۵ و ۶ دادگاه دو اختیار به شرح زیر دارد.

اختیار اول : تقلیل به میزان ۱ تا ۲ درجه

اختیار دوم : تبدیل به جزای نقدی درجه ۵ یا ۶ متناسب با درجه حبس

حالت سوم : مجازات حبس تعزیری درجه ۷ : تبدیل به جزای نقدی درجه ۷

حالت چهارم: مجازات حبس تعزیری درجه ۸ : تبدیل به مجازات جایگزین حبس

پ) تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه ۱ تا ۴

ت) تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال

ث) تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان ۱ یا ۲ درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر.

دادگاه ۲ اختیار دارد.

**اختیار اول:** تقلیل به میزان ۱ یا ۲ درجه

**اختیار دوم:** تبدیل به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر ( یعنی تبدیل و تقلیل یا هردو).

**تبصره ماده ۳۷:** چنان چه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می یابد حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود.

**۷) یک تبصره به شرح زیر به ماده ۴۷ ق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ الحاق می شود.**

**تبصره ماده ۴۷)** در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری موثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان ، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی ( به جز جرایم موضوع مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی ) و کلاهبرداری و کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره بلامانع است. رعایت ماده ۴۶ این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

**۸) یک تبصره به شرح زیر ماده ۵۷ ق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ الحاق می شود.**

**تبصره:** مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه ۲ ، درجه ۳ و درجه ۴ در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

**۹) تبصره ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عنوان تبصره ۱ ابقاء و دو تبصره به عنوان تبصره های ۲ و ۳ به شرح ذیل به آن الحاق می شود.**

**تبصره ۲:** مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه ۲ ، درجه ۳ و درجه ۴ نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات های حبس قابل اعمال است.

**تبصره ۳:** قوه قضاییه می تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می گیرد با نظارت سازمان زندادنها و اقدامات تأمینی تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند . آیین نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضاییه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد.

۱۰) ماده ۷۳ ق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح می شود.

ماده ۷۲: تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از (۶ ماه حبس نسخ) ( ۱ سال حبس اصلاحیه ) باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

۱۱) ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح . یک تبصره به آن الحاق می شود.

ماده ۱۰۴) علاوه بر جرائم مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند جرایم مندرج در مواد ۵۳۶، ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۱، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ( در مواردی که املاک و ارضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد)، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۴۴، کتاب پنجم ق مجازات اسلامی ( تعزیرات و مجازات های بازدارنده ) مصوب ۱۳۷۵ و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود در صورت داشتن بزه دیده و سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ( تعزیرات و مجازات های بازدارنده ) مصوب ۱۳۷۵ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دو بیست میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور ، همچنین کلیه جرایم تعزیری درجه ۵ و پایین تر ارتكابی توسط افراد زیر ۱۸ سال در صورت داشتن بزه دیده مشمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون و ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.

تبصره : حداقل و حداکثر مجازات های حبس تعزیری درجه ۴ تا درجه ۸ مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابد.

- جرایم زیر شروع و معاونت در آنها قابل گذشت محسوب می گردد.
- جعل در اسناد و نوشته های غیررسمی یا استفاده از آنها م ۵۳۶
- سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص م ۵۹۶
- توهین ساده م ۶۰۸
- توهین به ماموران دولتی م ۶۰۹
- سقط جنین به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله م ۶۲۲
- امتناع از دادن طفل سپرده شده م ۶۳۲
- رها نمودن طفل در محل خالی از سکنه م ۶۳۳
- ایجاد مزاحمت برای دیگران به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی م ۶۴۱

- تدلیس در ازدواج م ۶۴۷
- افشاء اسرار مردم توسط اطباء ، جراحان ، ماماها و دارو فروشان م ۶۴۸
- جرم اجبار و اکراه برای اخذ نوشته یا سند یا امضاء م ۶۸۸
- تهدید دیگری به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی
- سواستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء م ۶۷۳
- خیانت در امانت م ۶۷۴
- افترای قولی م ۶۹۷
- نشر اکاذیب م ۶۹۸
- افترای عملی م ۶۹۹
- هجو دیگری با نظم یا نثر به صورت کتبی یا شفاهی
- ایجاد صدمه بدنی در اثر تقصیر راننده که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضیء مصدوم گردد بدون آن که عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود م ۷۱۶
- ایجاد صدمه بدنی ناشی از تقصیر راننده م ۷۱۷
- تغییر یا تحریف و انتشار فیلم یا صوت یا تصویر دیگری به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابرات م ۷۴۴
- جرم انتقال مال غیر
- کلاهبرداری به شرطی که مبلغ آن تا یک میلیارد ریال باشد ( ماده ۱ ق تشدید) قابل گذشت است .
- کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده در صورت داشتن بزه دیده.
- م ۶۵۶ : سرقت مقرون به یک شرط. در صورتی که ارزش مال مسروق بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد . قابل گذشت است
- م ۶۵۷ : این ماده اشاره به کیف زنی یا جیب بری دارد. در صورتی که ارزش مال مسروق بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد . قابل گذشت است.
- م ۶۶۱ : سرقت تعزیری ساده . در صورتی که ارزش مال مسروق بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد . قابل گذشت است.
- م ۶۶۵ : ربایشی که در واقع مشمول سرقت نباشد . در صورتی که ارزش مال مسروق بیش از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد . قابل گذشت است.



- کلیه جرایم تعزیری درجه ۵ و پایین تر توسط افراد زیر ۱۸ سال در صورت داشتن بزه دیده. قابل گذشت هستند.

(۱۲) ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح و ۴ تبصره ذیل آن حذف می شود:

ماده ۱۳۴) در تعدد جرایم تعزیری ، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است :

الف ) هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد ، فقط یک مجازات تعیین می شود و در این صورت دادگاه می تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعداد جرائم مختلف ذکر شده ، مجازات را تشدید کند .

ب) در مورد جرائم مختلف ، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد ، حداقل مجازات هریک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

- مثال ) فردی ۳ جرم با مجازات قانونی ۱ تا ۵ سال و ۲ تا ۵ سال و ۲ تا ۶ سال مرتکب می شود که جرم اول میانگینش ۳ سال که قاضی باید بیشتر از میانگین تا حداکثر تعیین مجازات کند از ۳ سال و یک روز تا ۵ سال تعیین کند جرم دوم میانگینش ۲/۵ سال که مجازات قاضی از دو و نیم سال و یک روز تا ۵ سال می شود و میانگین جرم سوم ۴ سال می شود که مجازات قاضی بیش از ۴ سال و یک روز تا ۶ سال تعیین می کند مثلاً قاضی مجازات اول را ۴ سال و ۷ ماه تعیین می کند و مجازات دوم را ۳ سال تعیین می کند و مجازات سوم را ۴ سال و دو روز تعیین می کند و مجازات اشد را اعمال می کند که در اینجا مجازات اشد ۴ سال و ۷ ماه اعمال می شود.

پ) چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد ، مجازات هریک ، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در اینصورت دادگاه می تواند مجازات هریک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن را تعیین کند.

- دادگاه یک تکلیف دارد مجازات هریک حداکثر مجازات قانونی آن جرم است .

- دادگاه اختیار دارد می تواند مجازات هریک را بیشتر از حداکثر مجازات قانونی بعلاوه یک چهارم و در نهایت مجازات اشد را انتخاب می کند.

مثلاً شخصی ۴ جرم انجام داده که مجازات آن ۱ تا ۵ سال حبس . ۲ تا ۵ سال حبس . ۲ تا ۶ سال حبس . ۱ تا ۷ سال حبس است. حداکثر هر جرم را تعیین می کند (تکلیف است) . و مختار است هریک از جرایم را بعلاوه یک چهارم کند یا یکی از آنها را بعلاوه یک چهارم کند .

ت) در تعدد جرائم درجه ۷ و درجه ۸ با یکدیگر ، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می شود و جمع جرائم درجه ۷ و درجه ۸ یا درجه ۶ و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی شود در جمع این جرائم یا

جرائم درجه ۶ و بالاتر ، به طور جداگانه برای جرائم درجه ۷ و درجه ۸ مطابق این ماده تعیین مجازات می شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجرا است.

مثال : شخصی ۶ تا جرم درجه ۷ و ۸ مرتکب شده طبق بند پ حداکثر هر مجازات را تعیین می کنیم و مجازات اشد را تعیین کرده و جرم درجه ۴ و ۵ مرتکب شده طبق بند ب عمل می کنیم و مجازات اشد را تعیین کرده. در نهایت یک مجازات اشد برای درجه ۷ و ۸ داریم و یک مجازات اشد برای درجه ۴ و ۵ داریم و در آخر هر کدام که اشدتر بود را اعمال می کنیم.

پس اگر شخصی مرتکب چند جرم درجه ۱ تا ۶ و چند جرم درجه ۷ و ۸ شده جمع مجازات اعمال نمی شود طبق بند قبل بند ب و پ عمل می کنیم مجازات درجه ۱ تا ۶ را جداگانه و مجازات درجه ۷ و ۸ هم جداگانه حساب می کنیم و نهایتا مجازات اشد را اعمال می کنیم عین مثال بالا.

ث) در هریک از بندهای فوق ، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراست و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی ، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجرا گردد ، مجازات اشد بعدی اجرا می شود و در این صورت میزان مجازات اجرا شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می شود . آزادی مشروط ، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج) در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد اگر جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد دادگاه می تواند تا یک ششم و اگر بیش از ۳ جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه می کند.

چ) در صورتی که در جرائم تعزیری ، از رفتار مجرمانه واحد ، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود ، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می شود.

ح) هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات های مندرج در مواد ۲۳ (مجازات تکمیلی) یا ۲۶ (مجازات تبعی) این قانون به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد ، آن مجازات در هر صورت اجراء می شود ، حتی اگر مربوط به مجازات غیر اشد باشد . همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده ۳۵ این قانون ، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجرا می شود.

- مثلا شخصی به جزای نقدی درجه ۲ و حبس درجه ۴ محکوم شده است مطابق ماده ۲۵ حبس درجه ۴ مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی دارد اما جزای نقدی مجازات تبعی ندارد در اینجا فرد به مجازات شدیدتر جزای نقدی درجه ۲ محکوم می شود اما مجازات تبعی حبس درجه ۴ هم اعمال می شود.

خ) در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هریک از جرائم ، مطابق مواد ۳۷ و ۳۸ این قانون اقدام می شود.

د) در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی شود و مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم می شود.

۱۳) ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح می شود.

ماده ۱۳۷) هرکس به علت ارتكاب جرایم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات های تعزیری از درجه ۱ تا درجه ۵ محكوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات ، مرتكب جرم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۶ گردد ، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محكوم کند.

- نکته : باید جرم بعد از قطعیت حکم باشد که مشمول تکرار جرم گردد قبل از قطعیت حکم میشود تعدد جرم. دادگاه یک تکلیف و یک اختیار دارد.

- تکلیف دادگاه : حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم تعیین می شود مثلاً در جرمی که مجازات آن ۱ تا ۵ سال حبس است قاضی میانگین جرم ارتكابی به حبس بیش از ۳ سال تعیین کند .

- اختیار دادگاه : دادگاه می تواند وی را به بیش از حداکثر تا یک چهارم آن محكوم کند.

۱۴) ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر اصلاح و تبصره آن ابقاء می شود.

ماده ۱۳۹) در تکرار جرائم تعزیری ، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد ۳۷ و ۳۸ این قانون اقدام می شود.

۱۵) متن زیر به ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ الحاق می شود.

عبارت حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا از بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ و عبارت (یا قانون) از صدر ماده ۱۲۷ این قانون حذف می شود و تبصره ۱ ماده ۱ و تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است و ماده ۶۶۶ کتاب پنجم ق مجازات اسلامی ( تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و تبصره آن نسخ می گردد.

و من ... توفیق